سلسله مقالات شناخت شناسی مهدویت



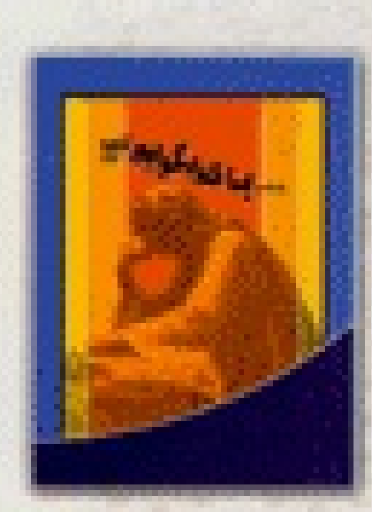
آیینه‌ی زیبایی‌ها



همراه با مقاله‌های:

- چشم خدا، می‌بیند
- مهدویت و اطلاع رسانی
- با که بگویم...!؟








بسم الله الرحمن الرحیم

آیینه‌ی زیبایی‌ها

نویسنده:

سید محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آینه‌ی زیبایی‌ها

مشخصات کتاب

عنوان و نـام پدیـدآور: آیینه ی زیبـایی هـا همراه با مقاله‌های چشم خـدا می‌بینـد، مهـدویت و اطلاع رسانی با که بگویم..؟/ محمود بحرالعلوم میردامادی تهیه و تنظیم مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر (عج) مشخصات نشر: قم: بهار قلوب، ۱۳۸۴. مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. فروست: سلسله مقالات شـناخت شناسـی مهدویت ۲. شابک: ۶۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۳۶۱۰-۹-۵:؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم) یـادداشت: چاپ دوم. یادداشت: کتابنامه. منـدرجات: ص. [۷]- ۳۶. آیینه‌ی زیبایی‌هـا - ص. [۳۷]- ۵۴. چشم خـدا می‌بیند - ص. [۵۵]- ۷۱. مهـدویت و اطلاع‌رسانی - ص. [۷۳]- ۸۷. بـا که بگویم؟! موضوع: محمـدبن حسن (عـج) ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. مقاله‌هـا و خطابه‌ها موضـوع: مهــدویت-- انتظـار-- مقاله‌هـا و خطابه‌هـا رده بنــدی کنگره: BP۲۲۴/۴/م۹۳آ۹ رده بنـدی دیـویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م۸۴-۳۵۹۷۲

مقدّمه

بسم الله الرحمن الرحیم چهـار مقاله‌ی «آیینه‌ی زیبایی‌ها»، «چشم خـدا می‌بینـد»، «اطلاع رسانی» و «با که بگویم » ...؟! که پیش روی شمـا قرار دارد، مقالا‌تی است که در سـفر نوشـته‌ام. این مقالا‌ت بیـان درد دل‌هـای فرهنگی و معنوی است. مطالعه‌ی این درد دل‌ها شایـد وسـیله‌ای برای بیداری همگان، به خصوص نسل جوان باشد. چه کنیم تبسّم یار و لبخند نگار، رضایت صاحب ولایت و خاتم امـامت شامـل حالمـان گردد؟ وظیفه‌ی ما در زمان غیبت چیست؟ به ویژه وظیفه‌ی تبلیغ دین و ترسـیم راه و روش امام مبین و کهف حصـین حضـرت ولیّ عصـر (عج) چگونه و با چه وسیله‌ای در این روزگار و عصر بی‌قرار، عصر توحّش به جای تمدّن، ظلم به جای عـدالت بایـد اجرا گردد؟! این‌ها مسائلی است که در این کتاب آمده است. امیدوارم هیأت‌های مهدوی و ندبه‌ای، در کنار اشک در فراق ولی نعمت، وسایل تحقیق در موضوع امام شناسـی را فراهم کننـد و در هر شـهری کتابخانه‌ی تخصصـی، بلکه در هر مسـجد و حسـینیّه و مدرسه و دانشـگاهی یک حرکت با عظمت تخصصی در امر مهدویّت آغاز گردد و «جشن میلاد نور» به وسیله‌ی منتظران ظهور، در همه جـا به یـک دهه‌ی پرمحتوا تبـدیل گردد و همه‌ی صاحبـان فطرت در داخـل و خـارج، تبلیغـات بـا ارزش مهـدوی را بشـنوند و ببیننـد. و صـلی الله علی محمّـد و آله الطاهرین سـیّما بقیّهٔ الله فی الأرضـین عجل الله تعالی فرجه الشـریف و نحن معه سـیّد محمود بحرالعلوم میردامادی ۲۷ رجب المرجّب ۱۴۲۵ مبعث رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم

۱ - آیینه‌ی زیبایی‌ها

اشاره

...مصـلحان! چه کسـی به شـما این جرأت را داده که خود را مصـلح بخوانیـد. علو خواهی و فسـاد انگیزی مگر مصـلح بودن است. اعلموا ان الله یحی الارض بعـد موتها، مهـدی آل مهـدی مصلح است، شـما اگر راست بگوئیـد و به وظائف زمان غیبت عمل کنید، زمینه‌سازان صلحید. (فرازهائی از نوشتار)

آیینه‌ی زیبایی‌ها

تصوّر کنید انسان پاکیزه‌ای معطّر و با ظاهر و باطنی آراسته به سمت شما می‌آید. آیا شما از او فرار می‌کنید؟ هرگز، مگر از طهارت

و پـاکیزگی، عطر و زیبـایی تنفّر داریـد؟ اگر شـخص کثیف و آلوده‌ای با لباس چرکین و بـدن متعفّن از کنار شـما عبور کنـد، یا در ماشـین و یا در سالن غـذاخوری کنار شـما بنشـیند، چه می‌کنید؟ آیا خود را جمع و جور نمی‌کنید؟ خود را کنار نمی‌کشید؟ پاسخ، مثبت است. چـون انسـان از آلـودگی و کثـافت و چرک و تعفّن متنفّر است. آیـا شـیء گران‌بهـایی را در اختیـار این فرد آلـوده قرار می‌دهیـد؟ آیا با وجود آلودگی، لباس مرتّب و پر ارزشـی را به او اهدا می‌نمایید؟ پاسخ، منفی است. چون انسان آلوده، قدر لباس با ارزش را نمی‌دانـد و ممکن است از روی بی خردی لبـاس گران‌بهـا را آلوده نمایـد. سؤال دیگری دارم: آلودگی جسـمی و چرکین بودن بدن و لباس بدتر است یا آلودگی روحی و فکری؟ مثلاً شخصـی حمّام نرفته و بدن و لباس او آلوده و چرکین است و دیگری حمّام رفته و ظاهری آراسـته دارد، ولی حسود و یا متکبّر و مغرور است، از کـدام یک از این دو بیشتر تنفّر داریـد؟ حتماً می‌گوییـد: آلودگی روحی و فکری بدتر و انسان آلوده به مفاسد روحی و فکری تنفّرآورتر است، راست می‌گویید. این نوع آلودگی‌هاست که اختلاف می‌آفریند و جنگ می‌آفروزد. قتل و ترور، غارت و سرقت، ستم و تجاوز، و ... از آلودگی فکر و روح سرچشمه می‌گیرد. مثلاً حسد به اندازه‌ای بد است که خوبی‌ها را از بین می‌برد و فرد و جامعه را به پستی و زشتی می‌کشاند یا تکبّر و غرور که کفرآور اسـت و انسـان را در برابر حـق و حقیقـت قرار می‌دهـد. البتّه آلـودگی ظـاهری و چرکین بـودن بـدن و لبـاس هم خـوب نیست ولی آلودگی باطنی و روحی دو صـد چندان بدتر می‌باشد. مسـلمان هم باید لباس ظاهرش خوب و پاکیزه باشد و هم به لباس باطن خود بپردازد و روح و فکر خود را به لباس تقوا مزیّن نماید. « لِباسُ التَّقْوی ذلِکَ خَیْرٌ ». (۱) امام مهدی پاک و پاکیزه است زیرا از عترت و اهـل البیت است، { إِنَّما یُریـدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً }. (۲) او عبـد خداونـد متعال است و مقام نبوّت و رسالت نـدارد، ولی عصاره‌ی پاکان و بقیه‌ی خوبان جهان و آنچه از خوبی‌ها در خوبان عالم وجود داشـته و دارد، در وجود مطهّر او یافت می‌شود. امام مهـدی « تَالِیَ کِتَابِ اللَّهِ » است اوّلا قرآن می‌خوانـد، چه خواندن خوبی! در تشـرّف سـیّد بحرالعلوم (ره) خـدمت حضـرت، نقل شـده که حضـرت قرآن تلاوت می‌فرمودند؛ سـیّد گفت «چه خوش است صوت قرآن زتو دلربا شـنیدن». (۳) اصـلاً قرآن را بایـد او بخوانـد، قرآن با اوست و او با قرآن است. ثانیاً: او در کنار قرآن قرار گرفته است؛ مگر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم نفرمود: «دو شیء گران قدر بین شما می‌گذارم: کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی ». این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر حوض کوثر بر من وارد شونـد. (۴) کتاب خداونـد موجود است، امّا عترت کجاست!؟ امروز امام مهدی علیه السـلام به عنوان وارث عـترت و امـامت، در کنـار قرآن قرار گرفته است. خواننـده‌ی عزیز! حتمـاً به عبـارت {لن یفترقـا} تـوجّه کن، چطور ممکن است که روزی قرآن باشـد و عترت نباشـد این امر با کلام رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم منافات دارد. پس امام مهـدی علیه السـلام آخرین فرد عترت معصوم در کنار قرآن و «تالی کتاب الله است. در زیارت آل یاسـین می‌خوانیم: « السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا تَالِیَ کِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ » (... ۵) امام مهدی علیه السلام خواننده‌ی قرآن و قرآن ناطق و ترجمان کتاب الله است.

مودّت امام مهدی علیه السلام

مودّت، محبّت همراه با ابراز و عمل به دستورات محبوب است، و می‌دانید خداوند متعال مزد رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را مودّت عترت و اهل بیت ایشان قرار داده است. قرآن می‌فرمایـد: { إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ یَتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبیلًا }. (۶) مطلوب خداوند دو مطلوب نیست، یعنی مسـلمانان مهم مودّت اهل بیت را داشـته باشـند و هم راه خـدا را اتخاذ نمایند. بلکه این دو یکی است، یک مطلوب است که به عنوان مزد رسالت به حساب می‌آیـد، مودّت اهل بیت (علیهم السـلام) که همان اتخاذ صـراط مسـتقیم و انتخاب راه خداونـد می‌باشـد و شـما خوانند عزیز می‌توانی در تفاسـیر فراوان تفسـیر صـراط مسـتقیم را بشناسـی که جز راه اهل بیت (علیهم السلام) راه دیگری نیست. (۷) قرآن می‌فرماید: {فهو لکم} (۸) و این مودّت، و اتّخاذ راه خداوند و شـناخت صراط مستقیم به سود خود شـماست. به به! چه مهربانی و رأفت بزرگی از طرف خداوند؛ پیامبر فرسـتاده، کتاب قانون نازل کرده، تالی و مفسر در کنارش

قرار داده و می گوید: مزد این پیامبر آن است که به کتاب قانون او بر اساس تفسیر تالی و مفسّر آن، یعنی عترت، عمل نمایی و این به سود خودتان می‌باشد. برادر و خواهر مسلمان! مودّت امام مهدی علیه السلام بسیار گران‌بهاست، همان طور که خود آن حضرت در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، به نام «ثقل» عنوان شده است و ثقل به شیء گران‌بها می گویند. ارزش امام مهدی علیه السلام نزد خداوند معلوم است او آینه‌ی زیبایی‌ها است؛ زیبایی ایمان تقوا، عبودیّت، عدالت و راستی، در وجود وی جلوه گر است. مودّت او هم گران‌بهاست، بعضی لایق نیستند مودّت داشته باشند. آدم‌های آلوده و کثیف، که لباس چرکین حسد و کبر و غرور بر روح و فکر آنها احاطه دارد و از لباس تقوا بی‌بهره‌اند، چگونه خداوند به آنها مودّت و شیء گران‌بها عنایت می کند؟

راه چیست؟

راستی چرا بعضی مودّت امام مهدی علیه السلام را ندارند؟ و از گوهر گرانبهای مودّت به دورند. پاسخ این است که: اوّلاً، این گروه شاید اهل بیت (علیهم السلام) را نشناخته باشند. شناخت مودّت آور است شما چه مقدار امامتان را شناخته‌اید؟ هر مقدار می‌شناسید دوست می‌دارید. برای همین است که فرموده‌اند: «کسی که بمیرد و امام زمان خودش را نشناخته باشد، به موت جاهلیّت مرده است». (۹) راستی همین است؛ مسلمان وقتی تالی و مبین واقعی قرآن، یعنی امام زمان را نشناسد، به او مودّت ندارد و مسلمان بدون مودّت یعنی مسلمانی که به اجر و مزد رسالت توجّه نداشته و با میزان و شاقول قرآن و سنّت بیگانه بوده در نتیجه به مرگ جاهلیّت مرده است. ثانیاً، شاید حق را فهمیده و حجّت بر او تمام شده، ولی فساد درون و آلودگی قلب و مریضی روح وی را از نگاه به زیبایی‌ها و استشمام عطرها محروم نموده، حسد و کبر چشم دل او را کور کرده است. شما از کوردل چه توقّع دارید؟ زیبایی و عطر گل و حتّی وجود خود گل را انکار می کند. راه این است که بشر از حسد و کبر و صفات رذیله‌ی دیگر خود را رها نماید. راه این است که بشر به پرورش و تزکیه‌ی روح بپردازد و خود را از تاریکی‌ها و چرکی‌های فکری و فرهنگی برهاند. مهدی شناسی با «تقوا» میّسر است. مهدی یعنی هدایت شده چه کسی او را هدایت کرده است؟ هدایت پیشوایان معصوم با خداوند است و هدایت ما با پیشوایان معصوم؛ یعنی آنها واسطه‌ی هدایت ما می‌باشند. پس هدایت شده‌ی از طرف خداوند می‌تواند هادی مردم باشد. حضرت مهدی علیه السلام جزء پیشوایان هدایت شده و صادق است و ما دستور قرآنی داریم با پیشوایان صادق باشیم. قرآن می‌فرماید: { یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقینَ }. (۱۰) می‌بینید ... قبل از اینکه بفرماید: { کُونُوا مَعَ الصَّادِقینَ } می‌فرماید { اتَّقُوا اللَّهَ }. کلام ما همین است اتَّقُوا اللَّهَ! مهدی شناسی اتّقوا الله را می‌طلبد، باید برای نشست با امام پاکیزه، پاکیزه شوی؛ لباس پاکیزه باشد خودت را از آلودگی‌ها و چرکی‌ها شست و شو دهی. مهدی شناسی، تزکیه‌ی روح و پاکی قلب می‌خواهد؛ باید برنامه‌ی نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم { یُزَکِّیهِمْ } (۱۱) را در نظر بگیری و صفات رذیله خودخواهی علوّطلبی، ریا و سمعه و شرک را ترک نموده از گناه توبه نمایی.

دو نکته

دو نکته را برای خوشبختی در نظر بگیرید: ۱- در طیّ راه و مسیر مواظبت کنید که پای شما به خار و خس و اشیاء اذیّت کننده مبتلا نگردد. در سیر الی الله خار گناه، موذی روح و قلب آدمی است. انسان با گناه به زمین می‌خورد و در سیر و سلوک موفق نمی‌شود. «اتّقوا الله» به همین معناست، به معنای مواظبت و رعایت کردن، خود را از آلودگی‌ها حفظ نمودن است و شما توجّه دارید آلودگی‌ها دو نوعند: «قلبی» و «جوارحی». انسان متّقی، و در واقع سالک راه خداوند، باید هم تقوای قلبی داشته باشد، و هم تقوای جوارحی تقوای قلبی این است که انسان بداند مالک ملک فقط خداوند متعال است؛ عالم اوست، غنی اوست، قادر اوست، و او می‌تواند از علم و غنا و قدرتش به بندگان خویش عنایت فرماید. تقوای قلبی این است که آدمی دل و قلبش را فقط به خدا بدهد،

یعنی دل و قلب آدمی جای محبّت خداوند باشد. البته اولیای خداوند را برای رضای خدا دوست بدارد و با دشـمنان او دشمن باشد. تقوای جوارحی، این است که انسان سالک مواظبت کنـد تا گرفتار گناه چشم و گوش و زبان و دیگر جوارح نگردد. خواهید گفت ملاـک این که این کار گناه است یا نه، چیست؟ چه گناه قلبی و روحی و چه گناه جوارحی، ملاک و معیارش قرآن و سنّت رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم است، امّا به تفسیر و تبیین هادی که در هر زمانی وجود دارد. {إنّما أنت منذرٌ و لکلّ قوم هادٍ}. (۱۲) پیامبر منـذر است، امّا بیان انـذار او و تبیین نسـخه‌ی وی، با هادی می‌باشـد. هادی بعد از پیامبر، علی بن ابیطالب علیه السّـلام است و هادی امروز، امام مهدی علیه السـلام می‌باشد. ما با میزان و شاقل امامت این بزرگواران می‌توانیم صواب را از گناه تشـخیص دهیم و حلال و حرام را از زبان هادی دریافت کنیم. ممکن است سؤال کنیـد مگر قرآن و سنّت پیامبر معلوم و آشکار نیست می گویم مگر ما در قرآن متشابهات نـداریم؟ همانطور در سنّت، هادی که راسخ در علم (۱۳) است، انسان سالک را به خوب و بـد حلال و حرام آگاه می کنـد و نسـخه‌ی خدا و رسول را توضیـح می‌دهد. ۲- نکته‌ی دیگری که برای خوشـبختی لاـزم است این است که بـا هادی حرکت کنیـد؛ نه مقـدّم و نه مؤخّر. (۱۴) در این مسیر طولاـنی و این راه ظلمـانی، بـدون چراغ حرکت کردن کـار عاقلاـن و کاری عاقلاـنه نیست. { قیلَ ارْجِعُوا وَراءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً }. (۱۵) برگردیـد نور بیاورید! این چه نوری است؛ نور با مهدی بودن است، نور ندبه در فراق مهدی علیه السلام ، نور زیارت آل یاسین، نور خیریّه و مدرسه ساختن به نام و یادش، نور جشن دهه‌ی مهدویه. آیه را خوب توجّه کن! { یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقینَ }. اوّل، « اتَّقُوا اللَّهَ » دوم «با صادقین بودن»، یعنی تقوا داشتن بر اساس مکتب صادقین بایـد باشـد نه این که آنچه را که من و دیگران اسـمش را تقوا می‌گـذاریم، دسـتورالعمل باشـد. تقوا در کلام خـدا و سنّت رسول، به توضیـح و تبیین صـادقین یعنی اهـل البیت (علیهم السـلام) مطلوب است. { وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمیزانَ } (۱۶) نگاه کن! کتاب و میزان، «کتاب الله و عترتی» قرآن و علی علیه السـلام و امروز قرآن و مهدی علیه السـلام فلاح آور و عامل و خوشـبختی می‌باشد. همین مطلب جای دیگر قرآن نیز آمده است: { یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَةَ }. (۱۷) در این آیه اوّل تقوا را دسـتور می‌دهـد و بعـد توسّـل به وسـیله را، این توسّل یک امر الهی است. توسّل به عترت برای أخـذ دسـتورالعمل و توضیـح مراد خداوند از آیات متشابهات و حلال و حرام الهی- توسّل به عترت جهت رفع اجمال قرآن و فهم تفصـیلی آیات و سنّت رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم ، توسّـل به عـترت، آبرومنـدان درگـاه خداونـد، برای رفع مشـکلات مـادی و معنوی و این امر مشـروعیت دارد و فرمان { ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَةَ }- برای اهل فضل و کمال، میزان و دلیل خوبی است. برای همین است که به امام علیه السلام می گوییم: « یَا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ». (۱۸) او خدا نیست، وجیه نزد خداوند است می‌تواند به اذن خداوند برای ما شفیع گردد. پس باز امر «اتّقوا» در آیه‌ی شـریفه با همراه بودن با آبرومندان هم آمده است. آن آبرومندان کیانند؟ تاریخ را بخوانید! حتماً تاریخ را بخوانیـد، نه تاریـخ دروغین همراه با جعل و مکر را ... بسیار با احتیاط، با تدبّر، بدون شـتاب‌زدگی، تاریخ صـحیح، واقعیت‌ها را، بدون تعصّب بخوانید. آبرومندان پیشـگاه خداوند کیانند؟ چه کسانی در مباهله با پیامبر شـرکت داشـتند؟ (۱۹) «آیه‌ی تطهیر» و «داسـتان کساء» چه می گوید؟ امروز فرزند محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسـین، یعنی مهدی آل محمد (علیهم السـلام) «وجیه عنـدالله است و { کُونُـوا مَعَ الصَّادِقینَ } امروز یعنی بـا مهـدی آل محمّـد بـودن؛ و { ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسـیلَةَ } امروز، یعنی در راه مهـدی آل محمـد کار و تلاش داشـتن. « أَیْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ ». (۲۰) کجاست آن وسـیله‌ی الهی؟ کجاست آن سبب که انسان را از خاک به عالم پاک برساند و به او سیر و سلوک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یادآوری نماید؟ سنّت و روش مهدی علیه السلام ، سنّت و روش پیامبر است؛ (۲۱) از خودش چیزی نمی گوید، آنچه خداوند فرموده و در سنّت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بوده توضیـح و تعلیم می‌دهـد. آیا می‌توانیم به او راه پیـدا کنیـد؟ «أین بقیّـهٔ الله؟» کجاست بقیـهٔالله؟یعنی عروج سینه‌هـای سوخته، رهبر و آخرین انـدوخته کجـاست؟ در نـدبه حـالت انتظـارت را نشـان می‌دهی، روان خویش را مهـدوی می کنی، گلاب مهـدوی می‌زنی! خیر چیست و کجاست؟ همه به دنبال اویند؛ همه به دنبال او می گردند، امّا او را نمی‌یابند؛ اشـتباه رفته‌اند؛ با

شهرت طلبی و شهوت خواهی که نمی‌توان به خیر رسید: {بقیهٔ الله خیرٌ لکم}. (۲۲) مهدی برای شما خیر است، فقط «مهدی هذه الأمّهٔ من نسل الأئمّهٔ الطّاهرین صلوات الله علیهم اجمعین» برای شما خیر است. کجا می‌روید؟ کجا می‌روید خیر این جاست! مگر قرآن نخوانده‌اید؟ مگر دلسوز خود و اجتماعتان نیستید { بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ }، ولی مطلب این است که می‌فرماید { إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ } ایمان گره گشاست { الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ } (۲۳) غیب حق تعالی است و مظهر غیب خداوند، امام مهدی علیه السلام است. مگر عیسی علیه السلام غایب نیست مگر یونس علیه السلام غایب نبود. امام مهدی هم به قدرت خداوند زنده و غایب است. بیایید به غیب مؤمن باشیم و به بقیهٔالله و آخرین اندوخته‌ی خداوند توسل جوییم. سحر آمد زمان و صل دلدار کجا شد عاشقی با قلب غمبار؟ بیا معشوق را یک دم صدا کن به لبیّک ولا رو جانب دار! کجا برویم که امن تر از خانه‌ی فرزند امین باشد مگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین نیست عترت او نیز امینند، مهدی او نیز امین است. امین‌تر از مهدی علیه السلام کیست و کجاست؟ از زبان میلیون‌ها نفر انسان به شما می‌گویم: ما را راهنمایی کنید. ما را راهنمایی کنید! مگر نمی‌دانید باید زکات علمتان را بدهید اگر علم دارید؟! آیا آگاهید امین درگاه خداوند متعال امروزه کجاست؟ آیا در کتاب خدا و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشانه‌ای از او دارید؟ شما را به خدا، منِ سرگردان را ارشاد کنید! آیا در «رَضوی» است یا در « ذِی طُوًی »؟ (۲۴) آیا در مدینه است یا کربلا؟ شما را به خدا، غریق را نجات دهید! من هم مثل میلیون‌ها نفر انسان غریق این اقیانوس مهلک‌ام. آیا اثری از کشتی نجات نمی‌بینید؟ آیا سراغ ستاره‌ی نجات بخش را دارید؟ مگر نجات غریق در اسلام واجب نیست؟ مگر صدای غریق را نمی‌شنوید؟ ای عالمان! اندیشمندان، مصلحان، صلح خواهان دلسوزان ! ... صدای مرا نمی‌شنوید؟ من غریق گناهم، غریق شهوت و شهرت، حیران و سرگردان «ایسم ها و مسلک‌ها تبلیغاتشان بر حیرتم می‌افزاید! آیا چاره‌ای نمی‌یابید؟ چاره‌ای برای من بیچاره؟! انسان این قرن، قرن توحّش به جای تمدّن قرن ظلم به نام عدل. چاره‌ای برای همه‌ی بیچارگان دنیا؛ می‌دانید که نجات غریق، کار صواب و برای آن، چه ثواب‌ها می‌نویسند؟ { مَنْ أَحْیاها } (۲۵) را خوانده‌اید؟ بیایید آب شیرین و گوارایی به کام من بریزید، قبل از اینکه مرگ مرا در کام خود بگیرد! { فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ }؟ (۲۶) آفرین به قرآن! به کلام الهی و آب گوارا به دست چه کسی است؟ چه کسی ساقی تشنگان است؟ شما به من بگویید: ساقی کوثر چه کسی است الآن نسل تشنه‌ی حقیقت را چه کسی سیراب می‌کند؟ { فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ ... }؟ یافتم ... یافتم! من به شما زکات علم می‌دهم؛ شکر یافتن در یافتن دیگران است؛ نجات دیگران از مهلکه‌ی جهل و غفلت! «ماء معین» مهدی آل محمّد علیه السلام است. آب گوارا، از «بحرین علم و عصمت... همان بحرین که «لؤلؤ» و «مرجان» دارد (... ۲۷) لؤلؤ صلح و مرجان قیام! مهدی هم صلح دارد با مستضعفان، و هم قیام دارد با مستکبران. آب‌آور و ساقی تشنگان، نه مردگان! بیایید تشنه باشیم و به مصداق { قَلِیلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُورُ } (۲۸) به { بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ } (۲۹) سری بزنیم و دست ساقی را ببوسیم. یافتم ...! یافتم! مصلحان! چه کسی به شما این جرأت را داده که خود را مصلح بخوانید. علوّخواهی و فسادانگیزی، مگر مصلح بودن است؟! { اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها }. (۳۰) مهدی آل محمّد علیه السلام مصلح است؛ شما اگر راست بگویید و به وظایف زمان غیبت عمل کنید، زمینه‌سازان صلحید. عالمان! اندیشمندان! به علم و اندیشه‌ی خودتان مغرور نگردید، شما کمی از زیاد را هم نمی‌دانید قطره‌ای از اقیانوس علم را هنوز حایز نیستید! برای چه تکبّر می‌کنید و به چه علّت مغرورید؟ چه بخواهید و چه نخواهید، { مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ } (۳۱) خواهد آمد. آیا خود را با او برابر می‌بینید؟ {هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لایعلمون}. (۳۲) یا به وجود او ایمان ندارید؟! پس «روایات المهدی علیه السلام » در کتب فریقین چه می‌شود؟ و مگر او فرزند امام عسکری علیه السلام یازدهمین اختر خاندان رسالت نیست؟ (۳۳) مگر می‌شود او هنوز متولّد نشده باشد؟ با علمتان جهل می‌ورزید، علم وسیله‌ی بیداری مردم است نه بهانه‌ای برای نشر جهالت! حمد خدای را، که آیه‌ی شریفه‌ی { وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ } (۳۴) را خوانده و تفسیر و تأویلش را دانستم. خداوندا! تشنه بودم، آب حیات مهدوی به من رساندی و از دریای مهلک جهل و غفلت و عدم شناخت امام مهدی علیه السلام نجاتم دادی! با این آیه، دانستم که آمدن او

حتمی است. می‌فرماید: { وَ لَقَدْ کَتَبْنا }- الله اکبر! - از ناحیه‌ی قدرت، قادر متعال می‌فرماید: { لَقَدْ کَتَبْنا }؛در کتب آسمانی قبل، در صحف سماویه بشارت داده‌ایم، به تشنگان گفته‌ایم که حکومت زمین به بندگان صالحم می‌رسد. مقصود حکومت مهدی آل محمّد علیه السلام است؛ پس چرا کلمه‌ی بندگان را به کار برده است؟ حکومت او حکومت بندگان خداوند است، نجات بندگان در تحت لوای ولایت اوست مگر می‌شود کسی بنده‌ی صالح باشد، بدون این که توسّل و تمسّک به ولایت او داشته باشد؟! به به ...چه آیه‌ای! این آیه را برای همگان بخوانید به زبان‌های مختلف ترجمه کنید، در مدخل دانشگاه‌های دنیا بزنید؛ همه بدانند که او خواهد آمد. همه بدانند تا مأیوس نباشند؛ همه بدانندتا امیدواری را با امید استقبال کنند و فاتحه‌ی یأس را در جامعه بخوانند! مسلمانان، با آیه‌ی { وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ } (۳۵) به انتظار آمدن حبل الله باشند و با گل علم و عمل، مقدم منتظر را گرامی بدارند. موحّدان، با عطر توحید و کلمه‌ی « لا إِلهَ إِلاَّ اللَّهُ » به دیدار شرط فلاح بشتابند (۳۶) و بزرگی کردگار را در آیینه‌ی دلدار ببینند. بر آن سریم که سر به پایش نهیم و مقدمش را بوسه باران کنیم. بر آن قصدیم که بر محور «کتاب الله» و میزان «عترت»، مطهِّر باشیم تا لایق درک مطهَّر شویم! والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته سیّد محمود بحرالعلوم میردامادی

چشم خدا می‌بیند

...حسین شناسان، چرا مهدی شناسی را دنبال نمی‌کنند؟! مگر عاشورا با انتظار بی ارتباط است؟ چرا، دهه‌ی عاشورا و دهه فاطمیه داریم، اما دهه‌ی مهدویه نداریم ...؟! اگر دولت و ملت تمام ماه شعبان را گردهمائی و کنفرانسهای مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است .... جشن‌های روز جهانی کودک را دیدی، چه کارهائی، چه بودجه‌ای؟! اما به عین الله که می‌رسیم چشمانمان را می‌بندیم، یا وقت نداریم و یا بودجه ...! ! ! در برابر تهاجم علیه مهدویت چه کرده‌ایم؟! ! (... فرازهایی از نوشتار)

۲ – «چشم خدا» می‌بیند

اگر دیده باشید قلعه‌ها و دژها دیده‌بان دارد، دیده‌بان اخبار بیرون را کسب می‌کند، و به درون دژ و خودی‌ها خبر می‌دهد، به ویژه اگر خطری پیش بیاید، نقش او مانند عین (چشم) است که مُخبِر اخبار و خطرها به مغز است. امام رضا علیه السلام از قول اجداد خود (علیهم السلام) و از قول خداوند متعال، دین را به قلعه و دژی استوار تشبیه فرموده است. (۳۷) این قلعه و دژ برای چیست و به چه کار می‌آید؟ یکی از جوانان خوبمان سؤال می‌کرد که آیا دین، ساخته‌ی ذهن بشر است؟ گفتم: این سخن ممکن است برای آن‌ها که مجسمه‌ی تبلیغات غربی‌ها و مقلّد بیگانه هستند، قابل قبول باشد؛ چون در مسیری سیر می‌کنند که هر حقیقتی را وارونه می‌بینند. ولی نزد آن‌ها که تبلیغات پوچ غرب و اروپا فریبشان نداده و با دین، بیگانه نیستند این مطلب مردود است. دین، ساخته‌ی بشر نیست؛ بلکه بشر ساخته‌ی دین است. آن‌گاه که بشر به ندای فطرت و عقل خود توجه کند و به اوامر پیشوایان نور گوش جان بسپارد، ساخته می‌شود و صفات انسانی در وجود او شکفته می‌گردد و به کمال و رستگاری دست می‌یابد. این عامل کمال و رستگاری، همان «دین» است که خداوند متعال برای حفظ آن دیده‌بان و «عین» قرار داده است. دیده‌بان خطر را می‌بیند و به اهل دین خبر می‌دهد. حال دو مطلب را دوستانه بررسی می‌کنیم: ۱ بدیهی است که دیده‌بان باید ببیند؛ یعنی نباید کور باشد. باید مفاسد و خطرات عقیدتی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، سیاسی و ... را بشناسد و درک کند. اگر سارق را نبیند، اگر دشمن را نشناسد...، « کوری ببین عصا کش کور دگر شده»؛ این چه دیده‌بانی است؟! در یکی از مجلاّتی که مطالعه می‌کردم، به مطلب عجیبی برخوردم؛ نوشته بود «امام زمان باید تجربه بیندوزد»! ! ! آقای نویسنده! امام زمان تجربی چه کاری از پیش می‌برد؟ آن هم امام زمانی که صدها سال تجربه آموخته و هنوز هم محتاج تجربه است! ! ! آیا ائمّه‌ی قبل از امام زمان (عج) علم و آگاهی‌شان تجربی

بوده است یا خدایی؟ اگر امام، به مدرسه و درس محتاج است، چه کسی استاد اوست؟ و اگر استادی داشته باشد، پس استاد باید امام باشد؛ چرا که استاد، اعلم از شاگرد است. به نظر شما چرا این مطالب در مجلّات دینی به چشم می‌خورد؟ آیا نویسندگان این مقالات جاهل‌اند یا عالم منحرف؟ و چرا اجازه‌ی چاپ این مطالب از طرف مسئولین صادر می‌شود؟ باید بدانیم که منبع و منشأ علم امام، خداوند متعال است. دیده‌بانِ قلعه و دژ دین محتاج کسب تجربه و یا علم‌آموزی از مردم نیست، بلکه تنها نیازمند علم‌علیم بالذّات است. ۲) دیده‌بان باید صادق و امین باشد. داستان چوپان دروغگو را حتماً شنیده‌اید، چوپان دروغگو نمی‌تواند حافظ و نگهبان باشد؛ نمی‌تواند قلعه و دژ را نگهداری کند. این‌جاست که باید گفت: خوشا به حال شیعیان، که اوّلاً معتقد به علم امامان (علیهم السلام) هستند و ثانیاً معتقد به عصمت و پاکی آنان. شیعه معتقد است ائمه (علیهم السلام) که دیده‌بان دژ اسلامند، هم علم الهی دارند و هم عصمت الهی. ممکن است کسی بگوید: شیعه به چه دلیل این اعتقاد را دارد؟ در جواب می گوییم: به دلیلی که شرح آن گذشت (دلایل عقلی) و ادّله‌ی دیگر (دلایل نقلی) که در کتب کلامی و متون اعتقادی بحث آن به خوبی آمده است. آیات قرآن و روایات بی‌شمار بر علم امام و عصمت او دلالت دارد. مطلب دیگری که باید بررسی شود، شناخت دیده‌بان واقعی دژ است. ممکن است کسانی به دروغ خود را دیده‌بان معرّفی کنند، ولی مفاسد و خطرات را کتمان کرده و نگویند و خود شریک دزد باشند و رفیق قافله؛ و چه بسا سارقین را به دژ راه داده و شرایط را برای بر باد دادن بنیاد قلعه آماده سازند. این جاست که لزوم بحث امام شناسی مطرح می‌شود، امّت باید در حدّخود، عین بصیر و نافذ و اندیشه‌ی صحیح و روشن داشته باشد تا «عین الله واقعی» را بشناسد. حدیث نبوی «مَنْ ماتَ وَ لَمْ يَعْرِف اِمامَ زَمانِه ماتَ ميتَةً جاهِلِيَّةً» (۳۸) که در کتب شیعه و عامّه آمده است، وظیفه‌ی ما را در «معرفت الحجّة» معلوم نموده است. کسانی که به دنبال این امر مهم و معنوی نیستند، چه جوابی برای «یوم الدّین آماده کرده‌اند؟ سفارش‌های «قرآن و عترت» نسبت به علم‌آموزی و کسب دانش، سفارش به کسب دانستنی‌های تجربی و ریاضی نیست؛ اگر چه این علوم و دانستنی‌ها بسیار خوب و در واقع، فضل است، امّا علمِ مطلوب و ذوالمقدّمه، معرفت نسبت به «عین الله» و شناخت دیده‌بان قلعه و دژ اسلام است. البته تصوّر نشود که دانستنی‌های تجربی، ریاضی و دانش دانشگاهی مردود اسلام است، هرگز! اگر خوب بررسی کنید می‌بینید که مؤسّس این علوم هم، رهبران اسلامی و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) هستند. «پروفسور مونتگمری وات» (استاد عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان) در کتاب «تأثیر اسلام در اروپا» چنین می‌نویسد: «ما اروپائی‌ها مدیون بودن فرهنگمان را به اسلام نادیده می گیریم. ما اغلب اوقات، گستره و اهمیّت تأثیر اسلام را بر میراث فرهنگی‌مان دست کم می گیریم و بعضی اوقات حتی از آن به کلّی چشم پوشی می‌کنیم. امروزه بر ما اروپاییانِ غربی است که برداشت غلط خود را اصلاح کنیم و بر دینمان نسبت به جهان اسلام و عرب اعتراف نماییم.» (۳۹) چه کسی می‌تواند دانش اهل‌بیت (علیهم السلام) به خصوص امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) را انکار نماید؟ امام صادق علیه السلام با تربیت چهارهزار شاگرد در رشته‌ها و علوم مختلف دینی و فنون گوناگون در بین اندیشمندان و محقّقان بزرگ جهان، مشهور و معروف است و چونان ستاره‌ای می‌درخشد. مطلب مورد نظر ما در این جا آن است که کسب معرفت حجّت خدا، وظیفه‌ی بزرگی است که اگر به آن عمل نکنی، از جمیع خیرات و معارف بازمی‌مانی و به فریب دزدان راه مبتلا می گردی. صادق و کاذب را باید شناخت و به ولایت صادق و رهبری دیده‌بان و عینِ راستین، دل بست. اگر عین الله و دیده‌بان خبیر و صادق را نشناسی و به نگهبان سارق و ستم پیشه دل بسپری، نه دنیایت آباد می گردد و نه می‌توانی آخرتی همراه با نورانیّت داشته باشی. دیدی بنی امیّه و بنی عبّاس و حکّام جور قبلی، کسب دانش را مانع شدند و احادیث را دفن کردند؟ «محمّد رشید رضا» صاحب «المنار» می‌نویسد: «این مسأله (منع نقل و نوشتن حدیث بر فرهنگی اسلامی ضربه‌ی بزرگی زده که به طور طبیعی جبران ناپذیر می‌باشد». (۴۰) واویلاه! چه بگوییم؟ برای فریب انسان‌ها و کسب به ناحقّ قدرت‌ها عین الله واقعی و دیده‌بان حقیقی را سارق، و سارق را نگهبان و پاسدار معرّفی کردند. از یکی از بزرگان اهل شام سؤال شد «ابوتراب» کیست که او را لعن می کنید؟ پاسخ داد: فکر می کنم یک سارق فتنه‌گر باشد! ! ! (۴۱)

یا علی! «یا عینَ الله النّاظِرَهْ وَ یَدَهُ الباسطَهْ و اُذنهُ الواعِیَهْ! » (۴۲) قربانت گردم، فدایت شوم، ای اوّل مظلوم! ظلمی که بر تو روا داشتند، در حقّ فرزندت مهدی علیه السلام هم روا می‌دارند. پس باید عین الله را شناخت چشم خدا تا کجا را می‌بیند؟ {فَسَیَرَی اللهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُون}. (۴۳) آیا حرف‌های روشن فکرنماها را بزنیم یا سخن خدا را شنوا باشیم؟ آنها می گویند: امام نابغه است، استعدادش زیاد است، حافظه‌ی خوبی دارد. ما می گوییم: این طرز تفکّر از امام‌شناسی شیعه، که قرآنی است دور است. امام، استاد، معلّم و بزرگ نوابغ است. خوش استعدادان و حافظه‌داران عالم، نظر شده‌ی امامند. امام عین الله است چشم خدا! خوب فکر کن! می گوییم امام «عین الله» است، چشم خدا. مثلاً آیا امام حسین علیه السلام وقایع کربلا را نمی‌دانست؟ اسرار را نمی‌دید؟ از شهادت با خبر نبود؟ البتّه که می‌دانست و می‌دید؛ «عین الله» کور نیست، امّا گاهی این آگاهی را بروز نمی‌دهد و برای مصلحت و یا مصالحی، مطلب را آشکار نمی‌فرماید. این مطالب ابتدائیات مدرسه‌ی شیعه است، ولی بعضی نویسندگان و یا گویندگان غافل‌اند و یا خود را به غفلت می‌زنند. علامه‌ی بزرگوار مرحوم آقای محمدتقی جعفری (ره) می‌فرماید: «علم ماورای طبیعی و تصرّف خلاف روش طبیعی در حقوق و مقرّرات تثبیت شده که از بنده یا مانند خضر بروز کرده است، اثبات کننده‌ی همین مزیّت است که پیشوایان الهی و اولیاء الله دارا می‌باشند. انکار این حقیقت، یا از عدم اطلاع ناشی می‌شود و یا از مقایسه‌ی کار پاکان با مردم معمولی، که از حیات چیزی جز خور و خواب و خشم و شهوت بهره‌برداری نکرده‌اند. افرادی که به جهت تخلّق به اخلاق الله دارای علم ماورای طبیعی و تصرّف در طبیعتند، به قدری فراوانند که جایی برای بحث و تردید نمی گذارد. در صورتی که بنا به اصول مسلّمه‌ی اسلامی، مخصوصاً عالم تشیّع، مقام امام علیه السلام خیلی بالاتر از اولیاءالله معمولی است.» (۴۴) برتریِ نور حق در چیستی؟ علم غیب رب به نزد کیستی؟ حق مگر قادر نباشد ای فضول! علم را اعطا نماید بر فُحول؟ بانی کعبه چرا ذابح شده؟ در مسیر عشق حق فاتح شده ذابح و مذبوح هر دو حجتند در مسیر دین حق در نصرتند تَهْلُکه اینجا بود یا فوز رب؟ معرفت دریاب، فاقد از ادب! تَهْلُکه، بی عشق مولا ـ بودن است بی ولا ـ در فکر عقبا بودن است (۴۵) از توفیق شرکت در رکاب محمّد و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) باز ماندیم و از حضور در مدرس علی دوم علیه السلام و دو امام دانش و بینش امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) تا امام عسکری علیه السلام دور افتادیم. یک کلاس برایمان باقی مانده است آن، کدام کلاس است؟ کلاس انتظار ...! ولی تو بگو انتظار بدون معرفتِ «عین الله» چه انتظاری است؟ انتظار، عبادت است امّا باید بدانیم منتظر چه کسی هستیم و وقتی او بیاید چه می‌شود؟ او چه می‌خواهد؟ او چه می کند؟ «اُذُنٌ سامِعَهْ» (۴۶) او که هم‌بیناست و هم شنوا ... به بینایی و شنوایی خداوند اشک ما را در فراقش می‌بیند و «لَیْتَ شِعری» ما را در جمعه‌های غمبار می‌شنود. جدّش امیرالمؤمنین علیه السلام «اذنٌ واعیهْ» بود و او «اُذُنٌ سامعهْ». هم شنوای امر خداوند است و هم سامع گدایی مأموم. حسین شناسان چرا مهدی‌شناسی را دنبال نمی کنند مگر عاشورا با انتظار، بی ارتباط است؟ چرا دهه‌ی عاشورا و دهه‌ی فاطمیّه داریم، امّا دهه‌ی مهدویّه نداریم؟! اگر دولت و ملّت تمامی ماه شعبان را گردهمایی و کنفرانس‌های مهدی شناسی برپا کنند، در برابر بزرگی ولی نعمت، بسیار ناچیز است. جشن‌های روز جهانی کودک را دیدی؟ چه کارهایی، چه بودجه‌ای؟! اما به «عین الله» که می‌رسیم چشمانمان را می‌بندیم؛ یا وقت نداریم و یا بودجه! ولی واقعیّت این است که از عشق عین الله بی‌خبریم و بعضاً وظیفه شناس نیستیم. در برابر تهاجم علیه «مهدویّت» چه کرده‌ایم و چه می کنیم؟ البتّه خادمانِ مخلصی در صحنه هستند که کمی از زیادِ وظیفه‌ها را انجام داده و با برپایی مجالس، نشر نشریه‌ها و آثار صوتی و تصویری و یا از طریق فعالیت در سایت‌های اینترنتی و ... تلاش دارند. ولی آیا همه‌ی عاشوراییان به لزوم تشکیل یک دهه همایش امام شناسی، حداقل در ایّام ولادت عین الله (حضرت ولی عصر (عج)) توجه کامل دارند؟ عاشوراییان اگر به ده‌ها روایت در باب خصایص و سیره‌ی امام حسین و امام زمان علیه السلام توجه نمایند و اگر به شعار یاوران امام زمان علیه السلام (یالثارات الحسین علیه السلام) دقت کنند و در پیوند فرهنگ عاشورا با انتظار در زیارات و اعمال شب نیمه‌ی شعبان اندیشه نمایند، تلاشی همانند دهه‌ی عاشورا، در بزرگداشت دهه‌ی مهدویّه خواهند کرد. اینجانب پیشنهادهایی را حدود دوازده سال قبل در بزرگداشت دهه‌ی

مهدویّه، تشکیل مدرسه و کتابخانه تخصّصی در موضوع مهدویت و مبارزه با تهاجم مخالفان، حضور بزرگان فقها ارائه دادم، و به عنایت خداوند متعال به تأسیس مرکزی جامع و مدرسی نافع پرداختم. از جمله فعالیت‌های این مرکز تشکیل جشن‌های دهه‌ی مهدویّه می‌باشد که به صورت مجالس بزرگ، کنفرانس‌ها و همایش‌های تخصّصی، با حضور محقّقان داخلی و خارجی برگزار می‌گردد. یک وظیفه‌ی بزرگ اوّلاً، برای شناخت و شناساندن معارف مهدوی به کتاب و وسایل دیگر برای مطالعه و تحقیق نیاز است. این وسایل چرا باید فقط در قم و تهران متمرکز باشد مگر شهرهای دیگر نباید امام زمان خویش را بشناسند؟ مهدویّون شهرهای دور و نزدیک، داخل و خارج باید با ارشاد مؤسسات تخصّصی مهدوی و با یاری اهل خیر، کتابخانه‌های تخصّصی در ارتباط با معارف امام زمان (عج) تأسیس نمایند، و نسل جوان را به مطالعه و بهره‌برداری از سایت‌ها، سی‌دی‌های آموزنده و کتب سازنده سوق دهند. بحمدالله این مقصد از طرف مرکز تخصّصی حضرت ولی عصر (عج) اصفهان دنبال شده و بحول الله و قوّته، قصد داریم ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصّصی با موضوع مهدویت، در داخل و خارج تأسیس نماییم که بعضی از این شعب در داخل و خارج کشور تأسیس شده است. ثانیاً، برای تأسیس کتابخانه و یا چاپ و نشر کتاب و مجلّه به ناظران خبیر و متخصّص نیاز است؛ والاّ چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم که به جایی دیگر رفته‌ایم. مثلاً کتاب یا مجلّه‌ای بدون توجه، چاپ و منتشر می‌شود که ممکن است مبلّغ مخالفین مهدویّت و انتظار گردد و یا عاملی نفوذی، مقاله‌ای بر خلاف معتقدات شیعه و امام زمانی‌ها در مجلّه یا کتابی چاپ نماید. بی ادبی نسبت به بزرگان دین و تبلیغ غربی‌ها و مستشرقین، راه دادن به مخالفین ولایت ائمّه (علیهم السلام) و مرجعیّت شیعه، اختلاف و دودستگی بین مهدویّون و مؤسسات مهدوی هیأت‌های ندبه‌ای و برگزار کنندگان دهه‌ی فرخنده‌ی مهدویّه، خطراتی است که در پیش روی ما قرار دارد. چنانچه این حرکت تبلیغی مهدوی- یعنی تأسیس ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصّصی پیرامون حضرت ولی عصر (عج) - از طرف همه‌ی مؤسسات تخصّصی مهدوی دنبال شود و مهدویّون و هیأت‌های مذهبی در تهران، قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ... هر کدام ۳۱۳ کتابخانه‌ی امام زمانی تأسیس نمایند و با حدود دو هزار عنوان کتاب تخصّصی و سازنده‌ی مهدوی، مساجد و حسینیه‌ها مدارس و دانشگاه‌ها را نورافشانی کنند دیگر «بابی» و «بهایی» چه می‌تواند بکند. مهم این است که ما به نسل جوانمان غذای فکری و معنوی سالم برسانیم و راه‌های سوء استفاده‌ی دشمنان را مسدود سازیم. البتّه در تأسیس کتابخانه‌های مذکور، هماهنگی و همفکری مؤسّسات تخصّصی مهدوی بسیار مطلوب است. اگر هر کدام از این ۳۱۳ کتابخانه یک جوان متّقی و ولایی بسازد، شما ۳۱۳ سرباز برای فرماندهان خاصّ حضرت ساخته‌اید و این کار کوچک و کمی نیست. مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه (علیهم السلام) چند نفر را ساختند؟ عدد، کم بود؛ امّا ارزش زیاد: سلمان محمّدی الگوی خوبان جهان؛ اباذر استاد أحرار عالم؛ عباس بن علی (علیهما السلام) ، سرور و مراد مجاهدان راه خدا؛ حبیب بن مظاهر نمونه رشادت و شجاعت. ما نباید از قلّت یار نگران باشیم. تبسّم نگار و دعای دلدار، حضرت ولیّ عصر (عج) ما را بس! خداوند به پیامبر خویش می‌فرماید: {حَسبُکَ الله و مَنِ اتّبعک مِنَ المؤمنین}. (۴۷) مهم این است که به وظایفمان در زمان غیبت عمل کنیم و بدانیم «چشم خدا» ما را می‌بیند و حتی از خطورات قلبیّه‌ی ما باخبر است. نباید یأس در فکر ما راه پیدا کند. باید بدانیم زمینه برای تبلیغ فراهم است. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند دنیا را به تشیّع و راه امام زمان (عج) متوجه سازند. شما می‌توانید با یک کتاب «المراجعات» یا «الغدیر» و یا کتاب‌های فارسی مانند «شب‌های پیشاور» و «آن‌گاه هدایت شدم» وهابیّون غیر مُعاند را به تشیّع نزدیک نمایید. با یک کتاب «منتخب الأثر» یا کتب فارسی در ردّ بابیّت و بهائیّت مانند کتاب «نصیحت به فریب خوردگان باب و بهاء» (ترجمه‌ی نصایح الهدی الی من کان مسلما فصار بابیا می‌توانید هادی راه گمشدگان باشید. مردم به فطرت خداپرستی و حق خواهی خلق شده‌اند. {فِطرَتَ الله الّتی فَطَرَ النّاس علیها}. (۴۸) اگر ما بتوانیم حق را خوب تبلیغ کنیم، یعنی اوّلاً- بدون هوا و هوس و ثانیاً به زبان روز، کسی از حق فرار نمی‌کند، مگر این که لجوج و عنود باشد. جوانان، حق خواه هستند؛ جوان، زیبایی را دوست می‌دارد. اگر شما زیبایی‌های دین را به او نشان دهید، زیبایی‌های امام زمان (عج) را برای او بیان کنید، چه دلیلی دارد او از دین و امام زمان (عج)

فرار کند؟ خانمی مسیحی از آلمان (۴۹) به مرکز تخصّصی حضرت ولی عصر علیه السلام اصفهان آمد و مسلمان گردید. گفتم: چرا اسلام را اختیار کردی؟ گفت آیا شما زیبایی را دوست ندارید؟ گفتم البته. گفت اسلام زیباست و من آن را دوست دارم! در خاتمه عرض می کنم این جانب دست همه‌ی بزرگان را می‌بوسم و از آنها در راه مقدّسِ خدمات مهدوی، ارشاد و راهنمایی می‌طلبم. و نیز دست هیئتی‌ها، ندبه‌ای‌ها، برگزارکنندگان جشن‌های دهه‌ی مبارکه‌ی مهدویّه و شاعران و مادحین را می‌بوسم و از آنها برای تأسیس کتابخانه‌های مذکور و ترویج اندیشه‌ی مهدوی و تبلیغ فکر انتظار و به دست آوردن رضایت یار، یاری می‌طلبم. درخواست دیگرم این است هر کجا این نوشته را خواندید، در ختامش از جان و دل بگویید: « السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ »، و پس از آن عرض کنید «اللّهم عجل لولیّك الفرج». (۵۰) باب محبّت تو را به بسمله باز کنم به نام جاودانه‌ات سخن سرآغاز کنم اصل «متمّ نوره وجود اطهرت بوَد برای که، برای چه، این سند ابراز کنم؟ وجه خدا تویی و بس، بگو کجاست خانه‌ات مدد کنی اگر مرا، میل به پرواز کنم ربیع مردمان تویی، نشاط روزگار ما! قلوب خستگان ره، به عشق تو ساز کنم دلم گرفته و خرد، خموش بین قافله به نام نامی‌ات شها، علاج صد آز کنم سفره‌ی شاهانه‌ی تو نصیب خلق عالمین برای جمع عاشقان، سخن به آواز کنم گر مددی ز یمن تو، رسد به جان خسته‌ام به مثل روز عاشقان، کار دو سرباز کنم شکوه انتظار من! فتح و ظفر به دست توست خانه‌ی دل بروبم و سرای دل باز کنم گر فکنی به جان من، مودّت الهی‌ات سر بدهم به راه تو، سلام جانباز کنم گر به مهار نفس خود، عنایتی شود مرا هوی برم، هوا پرم، اوج دوصد بازکنم در این تهاجم عدو، توسّلم به کوی توست صبر نمایم و از آن، جلوه‌ی ممتاز کنم تلاش بی ولایت، نماز بی وضو بود روی دلم به عشق حق، یاد تو آغاز کنم نام تو و مسیر تو، به دل قرار می‌دهد قرار دل! بیا برم، به عشق تو راز کنم گر نظرم به روی تو، فتد أیا حبیب من! اگر چه «کوچک»ام ولی به عرشیان نظر کنم (۵۱)

۳ – مهدویت و اطلاع رسانی

اشاره

...ما باید اطلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست ... ... آیا در فکر فیلم و سریال بوده که صفا و صلح، وفا و جود امام مهدی علیه السلام را نشان دهیم ...؟ آیا اطلاع رسانی از کار و راه دشمن، دسیسه‌ها و جعل‌ها و مکرها، وهابیتِ فرزند استعمار، بابیت و بهائیتِ دست نشانده حکومتهای طاغوتی داشته‌ایم؟! (فرازهایی از نوشتار)

مهدویّت و اطلاع رسانی

بشر می‌خواهد به سوی کمال و فلاح حرکت کند، و هرگز قاصد راه انحطاط و بدبختی نمی‌باشد. مدینه‌ی فاضله در فلسفه‌ی افلاطون قبل از میلاد، پیروزی اهورامزدا بر اهریمن در تفکّر زردشتیان، تعابیر تورات و انجیل در مورد آینده‌ی جهان و دیدگاه مثبت هندوئیسم در موضوع فردای عالم، و حتّی نگاه ماتریالیست‌ها و ملحدین، پیرامون اصلاحات امر مالکیّت و تشکیل خانواده‌ی واحد، بیان کننده‌ی این معناست که بشر به آینده‌ی خود، خوش‌بین است و برای به دست آوردن سعادت تلاش می‌کند. آن چه مورد بحث و گفت و گوست و با اختلاف آرا رو به رو گشته بحث اصل فلاح و رستگاری است که در کدام مکتب و راه و روش یافت می‌شود؟ و آینده‌ی جهان با حاکمیّت کدام حاکم و کدام قانون، اداره می گردد؟ اعتقاد ما این است که اسلام دین کامل و کامل‌ترین ادیان و باعث فلاح و رستگاری بشر می‌باشد. بر اثر مطالعه در قوانین اسلام و مقایسه‌ی آن با قوانین ادیان و مذاهب دیگر، هر محقّق منصفی می‌تواند به این نتیجه برسد. ما حق نداریم عقیده‌ی خودمان را به هیچ کس تحمیل کنیم، (۵۲) امّا حق داریم به همه‌ی مردم دنیا و محقّقان عالم، پیشنهاد تحقیق داده، و آنها را در این مسیر یاری رسانیم. اطلاع رسانی در موضوع اسلام

معرفت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمّه‌ی طاهرین (علیهم السلام) ، یک واجب دینی و زکات علم محسوب می گردد. (۵۳) امر به معروف و نهی از منکر، به اطلاع رسانی پیرامون خیرات و خوبی‌ها و شرور و بدی‌ها نیازمند است. اوّلین مطلب که باید به اطلاع همه‌ی مردم دنیا برسد این است که «فلاح و رستگاری» را می‌توانید در «مکتب اسلام» پیدا کنید. یکی از پایه‌های مهمّ‌خوشبختی علم و دانش است؛ یعنی آگاهی از خود و موجودات دیگر. ببینید دستور علم‌آموزی و فراگیری دانش، در کدامین مکتب آمده است. اسلام پیشنهاد علم‌آموزی نمی‌دهد، امّا فرمان می‌دهد علم بیاموزید و دانش کسب کنید. (۵۴) اسلام افراد بی فکر و بی دانش را توبیخ و سرزنش می‌نماید. آقا و خانم محقّق! به هر دین و مذهبی که بدان مؤمن هستی، روی آیات قرآن مجید و دستورات اسلام فکر کن و بدون تعصّب، ببین این مطلب درست است یا نه. البته ما نباید اعمال بعضی از مسلمان نماها و خلفا و سلاطین را در مخالفت با علم آموزی و کسب دانش، ملاک قرار دهیم و به این دین مقدّس بدبین باشیم. باید به مردم دنیا بگوییم آیینه‌ی اسلام نمایی، «علی علیه السلام » است. ببینید علمش را، با این که زمان به او اجازه نداد علمش را آشکار کند، امّا در همه‌ی علوم، مبدأ و منبع بوده است. مکتب امیرالمؤمنین علی علیه السلام مکتب خودشناسی، جامعه‌شناسی، طبیعت‌شناسی، تاریخ شناسی و در نتیجه، خداشناسی است. مکتب امام مهدی علیه السلام هم همین‌طور است. «فَاِنَّهُم عَیشُ العِلم و مَوتُ الجَهل». (۵۵) خاندان پیامبر مانند خود آن بزرگوار، مروّج علم و دانش و دشمن جهل و نادانی بوده و هستند. چرا مکتب انتظار، فلاح‌آور و باعث خوشبختی است؟ چون امامش عالم، و مأمومش دانش‌پژوه و طالب علم است. در مکتب انتظار، علم آموزی ممنوع نیست، تحقیق و بررسی مردود نیست، بلکه بر خلاف روش سران حکومت‌های استعمار و سیاست‌های شیطانی، یک امر واجب است. یکی دیگر از پایه‌های مهمّ خوشبختی، عمل به خوبی‌هاست؛ عمل طبق علم واقعی نه عمل به القائات شیطانی و دستورالعملهای استعماری. اوّل عالم بشو خودشناسی را پی گیری کن بعد جهان شناسی و سپس خداشناسی را دنبال کن و بعد به عمل بپرداز. ببینید دستورالعمل به خوبی‌ها چه خوب در اسلام آمده است. آقا و خانم محقّق خودش بیاید مطالعه کند؛ هم علم اسلام را و هم عمل اسلام را. وقتی خوب بررسی کرد، می‌فهمد اخلاق خوب، اعمال خوب، در اسلام وجود دارد. البتّه اسلامی که آیینه‌اش، اصحاب خوب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بالاتر از آنان عترت (علیهم السلام) هستند. امروز امام مهدی علیه السلام که وارث عترت (علیهم السلام) است، عملش مثل علم او بهترین و برترین عمل‌هاست. لذا از ما تقوا می‌خواهد خوبی می‌خواهد، سفارش امام مهدی علیه السلام به همه‌ی انسان‌ها علم‌آموزی و عمل به سجایای انسانی و دوری از ظلم و ستم می‌باشد. ما باید به متدیّنین ادیان مختلف و به اهل سنّت اطلاع رسانی کنیم که محمّد صلی الله علیه و آله و سلم ، همان «پرکلیوس» (۵۶) (Perikleos) به معنای بسیار ستوده می‌باشد که به خاطر علم و عملش در بین انبیا و رسل و میان اولیا، بدین نام معروف و مشهور است. هم چنین کلام خداوند در کتب قبل و صحف سماویه، مدحش را به خوبی بیان می‌دارد: {یَجِدونَه مَکتوباً عِندَهُم فِی التَّوراةِ وَ الإنجیلِ} (۵۷) و امروز وصیّ او، امام مهدی (عج) ، با همه‌ی بزرگی او به غیر از سمت نبوّت و رسالت در میان اولیای الهی و سفیران ربّانی بسیار ستوده است. رمز این که نام امام مهدی (عج) «م. ح. م. د» (۵۸) است چیست؟ تا به حال به این مطلب برخورد کرده‌اید؟ هم نام پیامبر اسلام، همان که قبلاً گفتیم، «محمّد»، «بسیار ستوده»، «پرکلیوس Perikleos ...» چرا؟ ... این یک اتفاق نیست، یک کار بدون فکر ... بدون دلیل ...اسم امام مهدی علیه السلام را اسم پیامبر قرار داده‌اند البتّه می‌دانید که القاب و کنیه‌های امام مهدی علیه السلام فراوان است، و یک اطّلاع رسانی وسیع و عمیق برای همگان می‌طلبد. ولی سخن ما در این جا بر سر اسم آن حضرت است، چرا اسم او «م. ح. م. د» است «بسیار ستوده یعنی چه؟ چرا ستوده است، چه کسی او را مدح می کند برای چه؟ ۱. برای علمش؛ که فوق همه‌ی علم‌هاست، خداوند علم او را ستوده است. {مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتاب} (۵۹) امروز، اوست. امام مهدی علیه السلام ، علم و دانش به تکوین و جهان آفرینش دارد و از ذرّه تا کهکشان، کوچک و بزرگ عالم، برّی و بحری، آسمانی و زمینی را می‌بیند و می‌داند. «تالیِ کتابِ تشریع» است، «تَرجُمانِ کتاب الله» (۶۰) است، قرآنِ ناطق، عالم به حقایق و دانا به دقایق می‌باشد. ۲.برای عملش؛ امام مهدی علیه السلام

بهترین عامل به قانون خداوند است، عبادتش فوق عبادت‌هاست، صبرش فوق همه‌ی صبرهاست، تو ببین چندین قرن است منتظر فرمان خداوند است تا عدل را بیاورد و تاریکی را برطرف سازد. این کار چه مقدار صبر می‌خواهد؟ و تا ظهور، پیش نیاید و مردم، علمش را نبینند، و عملش را درک نکنند، تا زیبایی‌های او آشکار نشود و شیرینی علم و عمل، حِکَم و عِبَر، حکومت و ولایت، سجایای اخلاقی و عرفانی وی برای لایقان ظاهر نگردد، هیچ کس نمی‌تواند معنی «بسیار ستوده» و حتّی «ستوده» را درک نماید. پس حالا بگویید: یا مهدی! یا صاحب الزمان! اسم نبرید، در «ستوده» و «بسیار ستوده» می‌مانید، نمی‌توانید درک کنید. ولی ظهور که آمد، پرده کنار می‌رود و مثل آشکار شدن تسبیح، خداوند متعال برای اهل کمال، مدح عالی و دانی را می‌فهمی؛ غزل‌خوانی موجودات تمجید جمادات و نباتات و حیوانات. (۶۱) چه می‌گویی؟! «ستوده» را بزرگان عالم مدح می‌کنند، حتّی «عیسی» به وزارتش قیام می‌کند (۶۲) و {تَنَزَّلُ المَلائِکَـهُ وَ الرُّوحُ} (۶۳) که فرمانش را استماع و با فوریّت، مُجری می‌باشند. ما باید اطّلاع رسانی کنیم که ظهور زیباست مگر خودمان ظهور را دیده‌ایم؟ نه، امّا از صادق مصدَّق به ما رسیده است، از قرآن، از حدیث معتبرِ فریقین. دشمنان، ظهور را بد جلوه می‌دهند، انتقام! خون! خون ریزی! ما چه کرده‌ایم و چه گفته‌ایم؟ آیا در فکر ساختن فیلم و سریال بوده‌ایم که: صفا و صلح وفا و جود امام مهدی (عج) را نشان دهیم؟ نه از خودمان، بلکه از قرآن، از اخبار، از تاریخ، از تشرّفات حقیقی. از این انقلاب ۲۵ سال گذشته است، نه دشمن به ما فرصت داده و نه از فرصت کمی که داشته‌ایم استفاده کرده‌ایم؟! در زمان کسب اطّلاعات و عصر اطّلاع رسانی کوفه و سهله که مفرّح اولیا و مفرِّج ستمدیدگان بود، لگدمال کفر بعث و ستم غرب و تجاوز اروپا گردید؛ ولی جمکران چه؟! ... آری ... در پایگاه بزرگ شیعه، پایگاه بزرگ مهدویّون، تغذیه‌ی دنیا، دانشگاه‌ها، تشنگان خارجی و داخلی ... آیا اطّلاع‌رسانی کردیم که امام ما حاکمِ جانی مستبد، قاتل سلطان بی‌رحم و دیکتاتور نیست، و مظهرِ {یا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ} (۶۴) می‌باشد؟ اگر مدح حضور و ظهور را، اگر جود و کرمِ مظهرِ کریم و جواد را، اگر مهربانی و رأفت نماینده‌ی رحمان و رحیم را، اگر رحم و دلسوزی ذخیره‌ی خداوند را، اگر اخلاق وارث محمّد واحمد، نماینده‌ی فارقلیطا (۶۵) (paraglita) و پرکلیوس « perikleos » و امیر عیسی و سلطان خوبان را به خوبی با سند معتبر، بیان داریم و عطرِ «معرفهٔ الحجّهٔ» را با وسایل ارتباط جمعی به مشام مردم دنیا برسانیم، چه می‌شود؟! کار دشمن، زار شده و دنیا میدان کارزار می‌گردد، مردم می‌گویند: «اَللّهُم عَجِّل لِوَلیِّکَ الفَرَج»؛ همه می‌گویند: «اَللّهُم عَجِّل لِوَلیِّکَ الفَرَج» و این است که استعمارگران می‌خواهند از ظهور جلوگیری کنند. همین الآن با این که ما در اطّلاع رسانی سست هستیم دشمن یک مطالبی را فهمیده، کوفه را می‌زند مسجد سهله را خراب می‌کند، سامرا را مورد حمله قرار می‌دهد و گاهی از «مهدی» و جای او سؤال می‌کند. در مورد گمشده‌ی انسان که «فلاح و خوشبختی» است، زمینه‌ی اطلاع رسانی در مردم جهان فراوان است. اما اطلاع رسان لایق با نیّت صادق کم است. شما مستبصرین را ببینید، (۶۶) وقتی با آن‌ها سخن می‌گویی و از اسلام آوردن آن‌ها یا شیعه شدن آن‌ها می‌پرسی، خیلی ساده می‌گویند: (مثلاً) یک کتاب از شهید مطهری خوانده‌ام، یا یک کتاب از علامّه امینی (ره) ، یا یک کتاب از سلطان الواعظین (ره). این چه تشنگی است از کجا مردم دنیا این اندازه تشنه شده‌اند، از همه‌ی ملل، از غرب از اروپا از افریقا و غیره، چه شده است؟! ... چه عامل و عواملی مردم دنیا را تشنه حقیقت کرده است؟ مردم دنیا دیدند صلح‌خواهی دروغین حکومت‌های غربی و اروپایی را. مشاهده کردند پاپ و اسقف‌ها چه مقدار به حقّ ستمدیدگان، بدون اعتنایند. دانش‌پژوهان، مخالفت علمای ادیان با علم و دانش را مشاهده نمودند. علما و دانشجویان سنّی در کتب حدیث و تاریخ، منع حدیث و دفن علم و ستم به بیت علم و عمل را نظاره کردند. به کجا پناه ببرند؟ در گذشته، سرخوردگان از ادیان و مذاهب منحرف و محرَّف، به ماتریالیسم و الحاد پناه می‌آوردند. ولی در این زمان با این همه سستی ما در اطّلاع رسانی، نشر بعضی از آثار بزرگان در معرّفی اسلام و تشیّع و ارتباط حوزویان و دانشگاهیان اعمّ از داخل و خارج، باعث شده است متدیّنین به ادیان غیراسلامی و مذاهب غیرشیعی به «دانشگاه علوی و مهدوی» پناه آورند و با نوشتن کتاب به زبان‌های مختلف دوستان و هم وطنان خود را بیدار نمایند.

اطلاع رسانی عرفانی نمی‌دانم تا به حال فکر کرده‌اید که چرا قبل از بعضی زیارت‌نامه‌ها، گفتن «الله اکبر امر شده است؟ مثلاً قبل از خواندن زیارت جامعه که دانشگاه جامع و بزرگ «معرفت الحجّة» می‌باشد مأموریم صدبار «الله اکبر» (۶۷) بگوییم؛ چرا؟ برای این که به غُلو مبتلاـ نشویم. غلوزدایی، درست است. مکتب ما با افراد غالی مخالفت کرده است. ما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان (علیهم السلام) را خدا نمی‌دانیم، عبد می‌دانیم؛ ولی عبدی که بالاترین رتبه و مقام و جاه را در پیشگاه خداوند دارد. ولی مطلبی را که در مقدّمه‌ی «سه رساله درباره‌ی حجة بن الحسن العسکری علیه السلام » آورده‌ام و شاید مطلب خوبی باشد، این است که ما باید از خداشناسی شروع کنیم، «اَللّهُمَ عَرِّفنی نَفسَک». (۶۸) زائر هم گوید: «الله اکبر الله اکبر»، عظمت و بزرگی خداوند متعال را درس می‌دهد، «الله اکبر» می‌گوید: خداوند متعال، بزرگ‌تر است از اینکه توصیف شود و به وصف آید. مگر امام، خلیفه و ولیّ «الله اکبر» نیست؟ خدای اکبر باید خلیفه و ولیّ‌اش، «اکبر» باشد مگر امام را می‌توان وصف نمود؟ مگر می‌توان کُنْه عظمتش را شناخت، فقط می‌توان گفت به بزرگی خداوند، بزرگ است. بزرگی او از خداوند است، نماینده و نمایش‌دهنده‌ی قدرت و علم و بزرگی حق تعالی است. پس وقتی خدای متعال را به بزرگی شناختی، ولیّ و خلیفه‌ی او را هم به بزرگی وصف می‌کنی. عبارات زیارت جامعه یا زیارت مطلقه را تصوّر نمی‌کنی غلو باشد؛ بهانه‌گیری نمی‌کنی، وهّابی زده نمی‌شوی، معجزه و شفاعت را شرک نمی‌دانی و رد نمی‌کنی. این اطّلاع رسانی عرفانی برای درک معارف شیعه لازم است، برای شناساندن امام زمان (عج) ضرورت دارد. آقا و خانم محقق! ما سخن از یک شخص عادّی نمی‌گوییم. در این کتاب در این روزنامه یا فصل‌نامه، در این سایت، سخن از «خلیفة الله» و «ولی الله» است. امام مهدی (عج) یک عالم و عابد، یک اندیشمند و فیلسوف، یک فقیه و محقّق نیست، او عینِ علم و اندیشه عین بندگی و معرفت و کمال است. مدرّس بزرگ در مَدرَس بزرگ هستی. آنچه خوبان همه دارند، او تنها دارد. او خلیفه و ولیّ خداوند است. پس امام زمان را بشناس؛ نه با آیینه‌ی سخنان بیگانه. مستشرقین، غربی‌ها و اروپایی‌ها که امام را یک دانشمند و یا نابغه، معرّفی می‌کنند و نه با آیینه‌ی استعمارگران که امام را یک خشونت‌گرا تعریف می‌نمایند. بالای منبرها، حدیث «مَن ماتَ وَ لَمْ یعرِف اِمامَ زَمانِه ماتَ مَیتَةً جاهِلِیَّةً» (۶۹) را برای مردم بیان نمودن، این یک وظیفه است. «هشدار! هشدار! اگر او را نشناسی، مرگت مرگ جاهلیّت خواهد بود.» ولی چه منبعی و چه مأخذی برای شناخت در اختیار مردم قرار دادیم؟ شیعه‌ی افریقا نه، که با رنج‌های فراوانِ بعض مبلّغین دلسوز شیعه شده است؛ شیعه‌ی اروپا و امریکا نه، ... شیعه‌ی ایران خودمان، کتاب می‌خواهد کتابخانه، مدرّس، مشوّق، ولی بعضی از بزرگان ما به «فقه اصغر»، شرح «عروة الوثقی» و «شرایع» و «جواهر» پرداختند، و «فقه اکبر» (۷۰) در تدریسشان نیامد. یک روز هفته «جامعه، جامعه، جامعه» (۷۱) را بخوانند و بدانند و تدریس کنند. «عاشورا، عاشورا، عاشورا» یک متن درسی حوزه باشد. برای ندبه آل یاسین، یک کلاس بزرگ نداشته‌ایم؛ برای همین می‌بینید کفایه خوانِما پاسخ‌گوی شبهات و سؤالات نیست. آیا از کار و راه دشمن دسیسه‌ها، جعل‌ها و مکرهای وهابیت فرزند استعمار بابیّت و بهائیّتِ دست نشانده‌ی حکومت‌های طاغوتی، اطلاع رسانی داشته‌ایم؟ چند مدرسه و دانشگاه عترت شناسی، چند کلاس اطّلاع رسانی در باب نقشه‌های استعمار، تفرقه افکنی مخالف و سرقت اعتقادات داشته و داریم. پیشنهاد ۳۱۳ تأسیس کتابخانه‌ی تخصصی درباره‌ی امام زمان (عج) را برای بعضی بیان می‌کردم؛ یک دوست که نافهمی‌اش برای مکتب، از تیر دشمن خطرناک‌تر است، گفت با این پیشنهادهای بزرگ مردم را فراری می‌دهید! ! به نظرم این کارها ضرورت ندارد! گفتم این پیشنهاد، فقط برای یک شهر است. هر شهر و یا هر استان حدّاقل باید ۳۱۳ کتابخانه‌ی تخصّصی درباره‌ی امام زمان (عج) داشته باشد. (۷۲) شما این عدد را برای دنیا بزرگ می‌دانی؟! آقای شیعه! شیعه‌ی متمکّن! خیر الحاج! مردم عاشق از این پیشنهادها فرار نمی‌کنند، شما فرار می‌کنید! ! دولت برای جشن کودکان پول دارد؛ شما برای جشن تولّد فرزند و نوه پول دارید؛ سفره‌ها و عقد و عروسی‌های آنچنانی با آن همه خرج و اسراف؛ امّا به کارهای فرزند فاطمه حضرت مهدی (عج) که می‌رسیم، مخالفت می‌کنیم ... این پیشنهاد، بزرگ است! این توقّع، چنان و چنین است؛ بازار بد است، بودجه نیست وقت نیست و ده‌ها بهانه‌ی دیگر؛ همان بهانه‌های اصحاب بی وفای ائمّه‌ی قبل از امام زمان (عج)

به زبان شما تکرار می‌شود. ولی مردم غالباً آماده‌اند؛ به شرط این که به آن‌ها اطّلاع رسانی کنیم. حتّی مردم غرب و اروپا آماده‌اند به صف مهدویّون بپیوندند، ولی راه را نمی‌شناسند؛ از مهدی علیه السلام خبر ندارند و سرگردان و حیران مانده‌اند. چه کسی باید کتابخانه تأسیس کند و نشریّه‌ی مهدوی نشر دهد؟ در مساجد، حسینیّه‌ها دانشگاه‌ها، مراسم دعای ندبه کتابخانه، نوار خانه، سایت، به زبان‌های زنده دنیا. به یقین این کار، کار ماست. امّا ما برای خودمان کار می‌کنیم؛ داعی به نفس، یا داعی به سوی امام زمان (عج ...)؟! تفاوت می‌کند. از کجا و برای که بگویم؟! ... یا مهدی! روحی فداك سیّد محمود بحرالعلوم میردامادی ۷/۴/۱۳۸۳

ادامه دارد...

۴ ... – با که و برای که بگویم؟!!

اشاره

برای که بگویم، که از باء بسم الله تا آخر کتاب وحی، آیه‌های فراوانی وصف تو را می‌گوید! آری! تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده‌ای که در اندیشه زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری.

۴ ...– با که و برای که بگویم؟!!

با که بگویم؟! با که و برای که بگویم؟ برای که بگویم که از «باء» «بسم الله تا آخر قرآن، آیه‌های فراوانی، وصف تو را می‌گوید؟ (۷۳) تو نه فقط در کلام یهود و نصاری آمده‌ای که در اندیشه‌ی زرتشتیان و دیگر مکاتب هم جای داری! هر چه سخن از عدل و قسط گفته شود، هر کنفرانس و همایشی در موضوع عدالت و شرف انسانی، برگزار گردد، چشم فطرتِ گویندگان و برگزارکنندگان، به وجود مطهّر توست، {فِطرَتَ الله الّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیها} (۷۴) از تو سخن می‌گویند، امّا تو را نمی‌شناسند، از خوبی‌هایت، از کمالاتت، امّا آدرس تو را ندارند. با که بگویم که «غیب در آیه‌ی {ألّذین یُؤمنونَ بِالغَیب} (۷۵) تویی، {أُولئِکَ هُمُ المُفْلِحونَ} (۷۶) به کسانی گفته می‌شود که به تو مؤمن باشند. چگونه می‌توان منکر «غیب» شد روح، عقل، فکر و اندیشه، کجاست؟ آن‌ها را نمی‌بینیم ولی از آثار، پی به آنها می‌بریم. از ساختمان هستی می‌فهمیم خدایی که از دید جسمانی ما «غیب» است حکیمانه، مهندسی این ساختمان بزرگ را نموده است. جهان چون خطّ و خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست راستی! آیا کسی می‌تواند منکر خدای شود؟ هرگز ماتریالیست دروغ می‌گوید، اصلاً ماتریالیست در کلّ عالم وجود ندارد. این‌ها قیافه‌ی ملحد و منکر را به خود می‌گیرند. مگر بنّای ساختمان را کسی منکر می‌شود ماتریالیست‌های پشیمان زیادند تاریخ آن‌ها خواندنی است، یک بدی از دین‌دارها دیده، عصبانی شده و منکر خدا گشته‌اند؛ بعد به فکر آمده‌اند که مگر می‌شود ساختمان جهان هستی بدون بنّا باشد؟! پشیمان شده و از الحاد برگشته‌اند. همان طور، کسی نمی‌تواند منکر پیامبر بشود؛ قرآن را که آورده؟ پیام‌آور چه کسی بوده است؟ این آثار، این سنّت بزرگ، این دانشگاه عظیم ... از اثر، پی به مؤثّر می‌بریم و به وجود پیامبر، که او را ندیده‌ایم اقرار می‌نماییم. از آثار عترت، از نهج البلاغه، ادعیه، زیارات بیانات، شاگردان، اصحاب، تاریخشان، دوستی‌ها دشمنی‌ها، به وجود مطهّر آنان علم پیدا کرده، نادیده را خریدار می‌شویم. مخالفی از مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام به یک شیعه‌ی بیدار اعتراض کرده که: چه می‌گویید، روز تاسوعا و عاشورا! این همه سر و صدا و شلوغ راه می‌اندازید؟ یک حسینی آمد و کشته شد و تمام شد! شیعه‌ی بیدار در جواب آن مخالف کج گفتار گفت: این که اصل وجود امام حسین علیه السلام و شهادت را قبول داری، به جهت همین سر و صدا و شعارهاست؛ و الاّ اگر این آثار نمی‌بود، اصل وجود حضرت را منکر می‌شدی و واقعه‌ی عاشورا را رد می‌کردی. و اضافه کرد ما در مورد «غدیر خم» کم کاری کردیم، شما دلالت غدیر را به ضعف کشاندید

(۷۷) و الحمدلله اصل غدیر، ثابت و آیات و روایات و قراین بزرگ، به دلالت آن دلالت دارند. ای امام! تو به مانند اجدادت صاحب اثر و ثمری، {کَشَجَرةٍ طَیِّبَةٍ اَصلُها ثابتٌ وَ فَرعُها فِی السَّماءِ}. (۷۸) چه بزرگی ای بزرگ! بقای اسلام اثر توست؛ {اِنّا لَه لَحافِظُونَ}. (۷۹) قرآن با آن همه دشمن حفظ شده، نقطه‌ای از آن کم و زیاد نشده، عنایات خاصّه‌ی تو نگهبان است. «کُهوفُ کُتُبه» (۸۰) در کلام علی علیه السلام مربوط به شما هم هست. ای کهف امین و خورشید پرده نشین! اگر عنایات حضرتت نبود، ۱۲ قرن نه، ۱۲ روز هم اسلام باقی نمی‌ماند. مگر دشمن را نمی‌بینیم؟ مگر از قدرت دشمن بی‌خبریم؟ مگر از اتّحاد سران کفر و الحاد آگاهی نداریم؟ دلخوشیم که دانشگاه بزرگ اسلام تحت اشراف مدیر و مدبّری چون تو حفظ و پاسداری می‌گردد. با که بگویم شجره‌ی بهشتی در قرآن نظر به عظمت تو وآبائت دارد. {لا تَقرَبا هـذِهِ الشَّجَرَة} (۸۱) یعنی چه؟ به آدم می‌گوید تو مقامت، مقام محمد و آل محمد (علیهم السلام) نمی‌شود، تو علی و مهدی (علیهما السلام) نمی‌شوی. به حوّاء می‌گوید تو زهرا علیها السلام نمی‌شوی! اینجا به متفکّران و مصلحان می‌گویم هر مقدار از بزرگی فکر و اندیشه را دارا باشید و در مورد صلح جهانی، قیام به بیان و قلم و قدم انجام دهید مهدی نیستید و نمی‌شوید. مهدی علیه السلام هدایت شده‌ی الهی «عَلَم منصوب و عِلم مَصبوب» (۸۲) است؛ کدام آیه در شأن شما نازل شده که «عَلَم منصوب» باشید و چرا اگر «عِلم مصبوب» اید، مدرسه و دانشگاه رفته‌اید؟ چرا به استاد محتاج بوده و هستید؟! {لا تَقرَبا هذِهِ الشَّجَرَة} با آدم و حوّاء می‌گوید: مقام این خانواده استثنایی است. نکند رتبه و جایگاه این‌ها را تمنّا کنی! و در واقع به همه‌ی آدمیان می‌گوید: حساب‌ها را جدا کنید. در مورد اصلاح بشریّت بگویید و بنویسید، اطّلاع رسانی کنید مردم را به صلح و صفا عدالت و کرامت دعوت کنید، اما نه بر مبنای فکر خودتان. شما به آن چه واقع است احاطه ندارید، شما مظهر خدای محیط نیستید، {مَن عِندَه عِلمُ الکِتاب} (۸۳) فرد دیگری است که هم کتاب تکوین را می‌داند و هم کتاب تشریع را مُدرّس است. قیاستان صد در صد اشتباه است. مگر علی علیه السلام نفرمود: «لا یُقاسُ بآلِ مُحمّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم من هذِهِ الأمّةَ اَحَدٌ». (۸۴) علامه‌ی روزگار که باشید و سلمان زمان، شاگرد کوچک مدرس علوی و مهدوی هستید؛ تازه، با منّتی که خدای متعال بر شما دارد {لَقَد مَنَّ الله عَلَی المؤمِنینَ } (... ۸۵) منّتِ این که قبولتان کردند و در مدرسه رسالت و دانشگاه سلاله‌ی نبوّت «مهدِیّ هـذِهِ الاُمَّة» (۸۶) نامتان را نوشتند. نه مصلحید نه امام و نه باب امام؛ اشتباه بزرگ را نفس، القا می‌کند، شیطان بزرگترش می‌کند یا بالعکس، نفس اژدرهاست ... وای از نفس! واویلاه از شیطان پرستی و شهرت خواهی! استعمار دنبال مصلحهایی می‌گردد که هنوز خودشان را نساخته می‌خواهند جامعه را بسازند، و امروز باید بیشتر از دیروز بترسیم که دچار مسیرهای شیطانیِ وهابیّت، بابیّت بهائیّت و فرقه‌های صوفیّه نشویم و «حزب شیطان» را به جای «حزب الله یار نگیریم. با که بگویم؟ با شما! با شما که نور و ظلمت را یکسان گرفته‌اید، بلکه ظلمت را به جای نور تبلیغ می‌کنید. با شما! با شما که سقیفه را جای {فی بُیوتٍ اَذِنَ الله اَن تُرفَعَ } (... ۸۷) آدرس می‌دهید؟ آیا در دعای قرآنی {اِهدِنَا الصِّراطَ المُستَقیمَ} (۸۸) سقیفه را منظور دارید یا خانه‌ی عترت را؟ گمان ندارم این قدر با کتاب، تفسیر و تاریخ بیگانه باشید. نکند خود را به بی‌عقلی زده‌اید! نکند که عمداً کور شده، احادیث را در باب «صراط مستقیم»، «بیوت»، «پاکان» (۸۹) و «شجره‌ی طیّبه» عمداً فراموش می‌کنید! {مَن کانَ فی هذِهِ اَعمی } (...۹۰) نمی‌ترسید فردا هم کور وارد محشر شوید؟ انسانید یا خفّاش؟ پس چرا از نور فرار می‌کنید؟ چرا {مِشکات} را درست ترسیم نمی‌کنید؟ چرا {مِصْباح} را درست تدریس نمی‌کنید؟ چرا در دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، {یَکادُ زَیتُها یُضیءُ} (۹۱) را کاملاً تعریف نمی‌نمایید؟ خدایا! چه می‌گویم؟ با که بگویم؟! ... با که بگویم که امروز مصداق {لِکُلِّ قَومٍ هادٍ} (۹۲) مهدی آل محمّد علیه السلام است نه پاپ‌ها، اسقف‌ها و مصلح‌های ادّعایی. علمای شیعه در زمان غیبت، خود را ریزه‌خوار سفره‌ی علمی و معنوی حضرت مهدی علیه السلام می‌دانند و هرگز خود را مصلح مطلق، هادی معصوم و حتی باب آن حضرت نمی‌دانند. باید دانست «هادی در آیه‌ی شریفه، برابری «هادی» را با «مُنذِر» می‌رساند. «مُنذِر بنّای ساختمان اسلام است و «هادی» علّت مُبقیه. (۹۳) فقط هادی نبی و رسول نیست و دین جدید نمی‌آورد، بلکه وقتی بِدَع و خرافات را کنار می‌زند و با جهالت مبارزه می‌کند، بعضی

فکر می کنند دین جدید آورده است. سنّت او سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است؛ (۹۴) اهل صلح است نه اهل خشونت مگر بـا مفسـدین و سـران فسـاد و تباهی، اخلاق، اخلاق محمّـدی و روش روش احمـدی صـلی الله علیه و آله و سـلم است. یکی از بزرگـان در بـاب ولایـت «هـادی» گفته است «جزءِ اخیر از علّت تـامّه». (۹۵) بـدین معنـا که اگر اعتقـاد به ولایت حضـرت علی علیه السـلام و ائمّه‌ی دیگر (علیهم السـلام تا حضـرت مهـدی علیه السـلام ، با اعتقاد به پیامبر و توحیـد الهی همراه نباشـد، این دو اعتقاد، سودبخش و فلاح‌آور نخواهـد بود. جزءِ اخیر از علّت تـامّه- یعنی ولایـت و امـامت- است که باعث «اِکمال دین» میباشـد همان که قرآن می‌فرمایـد {اَلیَومَ اَکمَلتُ} (۹۶) دین بـدون امـامت علی علیه السـلام مورد رضـایت خداونـد نبوده و نیست. اگر «واقفی» (۹۷) شدی، «زیدی» (۹۸) شدی، مسأله همین است، دین بدون ولایت امام مهدی علیه السلام جزء اخیر از علّت تامّه را ندارد. علّت تامه‌ی سعـادت و فلاح، توحیـد، نبوت امامت و قرآن و سنّت به تفسیر و تبیین ولیّ الله الاعظم (عـج) است. ای شـیعیان! برای چه در دعای نـدبه، بـه «اَیْنَ ... اَیْن » ... گفتن دل می‌سوزانیـد؟! چه گمشـده‌ای داریـد ...؟! مگر توحیـد ندرایـد؟! مگر به رسـالت پیـامبر معتقد نیستید؟! «کتاب الله» آیا کافی نیست؟ می گویید توحید شـرط دارد، رسالت، علّتِ مُبقیه می‌خواهد. کتاب الله مفسّر و مبیّن لازم دارد. می گویم: درست است. همـان جزء اخیر از علّت تـامه را می گوییـد، قرآن هم همین را می‌فرمایـد: {ان لَم تَفعَـل فَمـا بَلَّغتَ رِسالَتَهُ}. (۹۹) «اینَ الحَسنُ؟ اَینَ الحُسَینُ؟ اَینَ اَبنـاءُ الحُسَینِ؟ صالِحٌ بَعـدَ صالـِحٍ وَ صـادِقٌ بَعـدَ صادِقٍ؟» (۱۰۰) در ایـن طرق طولانـی و این روش‌هـای ظلمـانی بـا وجود «ایسم‌هـا» و مکتب‌هـای پوشـالی، «شاقل و میزان» (۱۰۱) کجـاست؟ نـور کجـاست؟ «اَیْنَ ... اَیْن »،... سرگردانی انسان را می‌رساند، به خصوص انسان این عصر؛ انسان این عصر را بگویید هر روز ندبه بخواند و هر روز «اَیْنَ ... اَیْنَ... » نماید. رفیق راه کجاست رفیقی که رهرو و ره‌شناس باشد، رفیقی که با دزدان طریق، رفیق نباشد؟ {حَسُنَ أولئِك رَفیقاً}. (۱۰۲) به روایات بنگرید ... رفیق راه «مهدی آل محمّد» است. «صالح بعد از صالح» و «صادق بعد از صادق» را در کدام قوم و طایفه و حزب و جَمعیّت می‌یابیـد؟ «اَلا اِنّالاسـلامَ لایَزالُ عَزیزاً اِلی اِثنَی عشـرَ خلیفَةً» (۱۰۳) یعنی چـه؟ برادران! خـواهران ...! دوازده خلیفه‌ای که باعث سـربلندی و آسـیب‌ناپذیری اسـلامند کجایند؟ از کدام قوم و طایفه؟ «اَیْنَ ... اَیْنَ؟! » ... راه را با تحقیق پیدا کنید، راهنما را با تحقیق بجوییـد. مگر مردم صـدر اسـلام، وکیل ما بودنـد که راهنمای دین و امام مبین برای ما تعیین کننـد و کـدامین این‌ها صالح و صادق و مصـداق «امام مبین» (۱۰۴) قرآن بودنـد؟ آیا می‌توانیـد بگوییـد گذشـته‌ها گذشت؟ مگر گذشـته با حال و امروز ما مربوط نیست؟ چرا در معرفی «دوازده خلیفه» سرگردانند؟ خلیفه‌ای که به اسلام آسیب نرساند و باعث عزّت دین باشد کجاست؟ آن که در زمان پیامبر باعث سربلندی اسلام بود، که بود؟ «آیه‌ی تطهیر» (۱۰۵) چه می گوید؟ مَدرَس امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) بر چه دلالت دارد؟ آیا خلفای بنی امیّه و بنی عبّاس طهارت و صـداقتشان به امضای حق رسـیده است؟ آیا مبـدأ علم و دانش بوده‌انـد؟ اَیْنَ ... اَیْنَ؟! ... بر کدام راه دل بسته‌اید و در برابر کدام امام سرفرود آورده‌اید؟ امام نور یا امام نار...؟!

پی‌نوشت‌ها:

(۱). سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۶. (۲). سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳. قالت عایشهٔ: خرج النبی صلی الله علیه و آله و سلم غذاه و علیه مِرْط مُرَحَّل من شَعَر اسود فجاء الحسن بن علیّ (علیهما السلام) فادخله ثم جاءالحسین علیه السلام فدخل معه ثم جائت فاطمهٔ علیها السلام فادخلها ثمّ جاء علی علیه السلام فادخله، ثم قال: { إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً } (صحیح مسلم کتاب فضائل الصّحابهٔ، باب فضائل اهل بیت النبیّ (علیهم السلام) / السّنن الکبری، بیهقی، حدیث ۲۸۵۸) عن امّ سلمهٔ قالت: فی بیتی نزلت: { إِنَّمـا یُرِیـدُ اللَّهُ لِیُـذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْـلَ الْبَیْتِ }، قالت فارسل رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم الی علی و فاطمـهٔ و الحسن و الحسـین (علیهم السلام) فقال: « هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی ». حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت از بخاری انتقاد کرده و می گوید «هذا حدیث صـحیح علی شرط البخاری و لم یخرجه». (المستدرک علی الصّحیحین، کتاب معرفهٔالصّحابهٔ، حدیث ۴۷۵۹ به بعد) عن

ابی سعید الخدری قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : نزلت هذه الآیة فی خمسة: فیّ و فی علی و الحسن و الحسین و فاطمة (علیهم السلام) {انّما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا}. عن انس انّ النّبی صلی الله علیه و آله و سلم کان یمرّ ببیت فاطمة علیها السلام ستة اشهر کلّما خرج الی الصّلاة فیقول الصّلاة: { إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً }. (تفسیر جامع البیان، طبری، ذیل آیه‌ی شریفه، حدیث ۲۱۷۲۷ به بعد) اخرج الطّبرانی عن امّسلمه رضی الله عنها: ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال لفاطمة رضی الله عنها، ائتنی بزوجک و ابنیه فجاءت بهم فالقی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علیهم کساء فدکیا ثم وضع یده علیهم ثم قال اللّهم انّ هؤلاء اهل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم – وفی لفظ آل محمّد (علیهم السلام) – فاجعل صلواتک و برکاتک علی آل محمّد (علیهم السلام) کما جعلتها علی آل ابراهیم انک حمید مجید قالت امّ سلمه رضی الله عنها فرفعت الکساء لادخل معهم فجذبه من یدی و قال انّک علی خیر. (تفسیر الدّر المنثور، سیوطی، ذیل آیه‌ی شریفه، به ضمیمه‌ی چند روایت دیگر) (۳). نجم الثاقب، صفحه‌ی ۶۱۲. (۴). قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ عزّوجلّ وَ عِتْرَتِی کِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی وَ إِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ أَخْبَرَنِی إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا بم تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا. (مسند احمد، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۸، و جلد ۲، صفحه‌ی ۱۷/ کنزالعمال، متقی هندی حدیث ۹۴۴ و احادیث بعد از آن) عن زید ابن ارقم قال قام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یوما خطیباً فحمدالله و اثنی علیه ثم قال: ألا أَیُّهَا النّاسُ، فَإِنَّما أنا بَشَرٌ یوشِکُ أن یَأتِیَ رَسولُ رَبّی فَاجیبَ، وأنَا تارِکٌ فیکُمُ ثِقلَینِ، أوَّلُهُما کِتابُ اللّهِ، فیهِ الهُدی وَالنّورُ، فَخُذوا بِکِتابِ اللّهِ وَاستَمسِکوا بِهِ فَحَثَّ عَلی کِتابِ اللّهِ ورَغَّبَ فیهِ، ثُمَّ قالَ: وأهلُ بَیتی، اذَکِّرُکُم اللّهَ فی أهلِ بَیتی، اذَکِّرُکُم اللّهَ فی أهلِ بَیتی، اذکّرکم اللّه فی أهل بیتی. (صحیح مسلم، طبع سعودی، کتاب فضائل الصحابة باب من فضائل علی بن ابی طالب (علیهما السلام) سنن الدارمی، دارالکتب العربی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۲۴، حدیث ۳۳۱۶) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ... : فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِّی فِی الثَّقَلَیْنِ ؟ قَالُوا وَ مَا الثَّقَلَانِ یَا رَسُولَ اللَّهِ ؟! قال کِتَابُ اللَّهِ طَرَفُهُ بِیَدِ اللَّهِ وَ طَرَفُهُ بِأَیْدِیکُمْ فَاسْتَمْسِکُوا بِهِ وَ لَا تَضِلُّوا وَ الآخر عترتی و إِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ قَدْ نَبَّأَنِی أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فسألت ذلک لهما ربی فلا تقدموهما فتهلکوا و لا تقصروا عنهما فتهلکوا و لا تعلوهم فانهم اعلم منکم من کنت اولی به من نفسه فعلی ولیه اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ. (کنزالعمال متقی هندی، حدیث ۹۵۷) (۵). زیارت آل یاسین (علیهم السلام) ، مفاتیح الجنان، محدث قمی. (۶). سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان، آیه‌ی ۵۷. (۷). عن ابی بریدة فی قول الله « اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ » قال صراط محمد و آله عن ابن عباس فی قول الله تعالی « اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ » قَالَ: یَقُولُ: قُولُوا مَعَاشِرَ الْعِبَادِ: اهْدِنَا إِلَی حُبِّ النَّبِیِّ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعلی بن ابی طالب علیه السلام : أَنْتَ الطَّرِیقُ الْوَاضِحُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیمُ، وَ أَنْتَ یَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِینَ. عن جابر بن عبدالله قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله جعل علیاً و زوجته و أبنائه حجج الله علی خلقه و هم أبواب العلم فی أمتی من اهتدی بهم هدی الی صراط مستقیم عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَجُوزَ عَلَی الصِّرَاطِ کَالرِّیحِ الْعَاصِفِ وَ یَلِجَ الْجَنَّةَ بِغَیْرِ حِسَابٍ فَلْیَتَوَلَّ وَلِیِّی وَ وَصِیِّی وَ صَاحِبِی وَ خَلِیفَتِی عَلَی أَهْلِی وَ أُمَّتِی عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ (علیهم السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَجُوزَ عَلَی الصِّرَاطِ کَالرِّیحِ الْعَاصِفِ وَ یَلِجَ الْجَنَّةَ بِغَیْرِ حِسَابٍ فَلْیَتَوَلَّ وَلِیِّی وَ وَصِیِّی وَ صَاحِبِی وَ خَلِیفَتِی عَلَی أَهْلِی عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام ، وَ مَنْ سَرَّهُ (و من اراد" خ) "أَنْ یَلِجَ النَّارَ فَلْیَتْرُکْ وَلَایَتَهُ فَوَ عِزَّةِ رَبِّی وَ جَلَالِهِ إِنَّهُ لَبَابُ اللَّهِ الَّذِی لَا یُؤْتَی إِلَّا مِنْهُ وَ إِنَّهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیمُ وَ إِنَّهُ الَّذِی یَسْأَلُ اللَّهُ عَنْ وَلَایَتِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الصِّرَاطُ الَّذِی قَالَ إِبْلِیسُ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَکَ الْمُسْتَقِیمَ (اعراف: ۱۶) فهو علی علیه السلام عن حذیفة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان تولوا علیّاً– و لن تفعلوا– تجدوه هادیا مهدیا یسلک بکم الطریق قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ زَیْدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ أَبِیهِ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ قَالَ: النَّبِیُّ وَ مَنْ مَعَهُ وَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ شِیعَتُهُ. حاکم حسکانی در کتاب «شواهد التّنزیل» که به تفسیر آیات نازله در شأن

اهل بیت اختصاص دارد با نقل این روایاتِ و نظایر آن، منظور از «صراط مستقیم» را منحصر در وجود مقدس پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصوم ایشان (علیهم السلام) می‌داند. قندوزی حنفی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی { وَ إِنَّ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ } (توبه ۷۴) از اصبغ ابن نباته از لسان در افشان امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود «صراط، اهل بیت هستند». (ینابیع المودة، ج ۱، صفحه‌ی ۳۳۸ با ذکر چند روایت دیگر با این مضمون). وی همچنین در ذیل آیه شریفه { وَ إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیم } (مؤمنون: ۷۳) از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌نویسد": صراط مستقیم "ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است (ینابیع المودة جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۹). خطیب خوارزمی در مناقب می‌نویسد: صراط بر دو قسم است: صراط دنیا و صراط آخرت، منظور از صراط دنیا علی بن ابی طالب علیه السلام و منظور از صراط آخرت، پل (روی) جهنّم است؛ کسی که صراط دنیا را بشناسد می‌تواند از صراط آخرت بگذرد. انس بن مالک گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «آن گاه که قیامت بر پا شود و صراط بر جهنّم نصب شود احدی از آن نمی‌گذارد، مگر کسی که جوازی با عنوان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام به همراه داشته باشد و این همان قول خداوند تعالی است که فرمود: { وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ }: آن‌ها را نگاه دارید که مورد بازخواست و پرسش هستند». (ینابیع المودّة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۸) ابواسحاق ثعلبی مفسّر معروف عامّه نیز در تفسیر «الکشف و البیان» به نقل از ابوهریره منظور از «صراط مستقیم» را صراط و راه محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) می‌داند. قندوزی حنفی با نقل چند روایت دیگر به اثبات دلالت صراط مستقیم بر وجود اقدس حضرات معصومین (علیهم السلام) می‌پردازد که ذیلا به بعض آنها اشاره می‌شود: حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) می‌فرماید «ما (اهل بیت) ابواب الله و صراط مستقیم و گنجینه‌ی علم الهی و ترجمان وحی خدا و ارکان توحید و جایگاه سرّ خداوندی می‌باشیم.» (ینابیع المودة، جلد ۱، صفحه‌ی ۷۶ و جلد ۳، صفحه‌ی ۲۵۹) امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) می‌فرمایند: «منظور از صراط مستقیم امام است و منظور از این که خداوند فرموده است: {ولا تتبعوا السّبل فتفرّق بکم عن سبیله} (انعام ۵۳) راه غیر امام است و ما (اهل بیت) راه خدا هستیم». (ینابیع المودّة، ج ۱، ص ۳۲۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود « یَا عَلِیُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِیقُ إِلَی اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبَأُ الْعَظِیمُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیمُ ». (... ینابیع المودة جلد ۳، صفحه‌ی ۴۰۲). (۸). سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۷: { قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ }. پروردگار عالم به پیامبرش امر می‌فرماید: { قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً}. (شوری: ۲۳) عن ابن عباس قال لمّا نزلت { قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی } قالوا: یا رسول الله! قَالُوا: یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِینَ أَمَرَنَا اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ: عَلِیٌّ علیه السلام وَ فَاطِمَةُ علیها السلام وَ وُلْدُهُمَا (علیهما السلام) ». (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۱) بیضاوی مفسّر معروف عامّه می‌نویسد: چون این آیه‌ی شریفه نازل شد، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: نزدیکان تو (که خداوند امر به مودت آنان فرموده) چه کسانی هستند؟ فرمود: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و دو پسرشان (علیهما السلام) ». سپس فرمود: «معنی اقتراف حسنه (کار نیکو کردن) ، کسب طاعت، خصوصا محبت آل رسول است». (انوار التّنزیل، بیضاوی، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۹۷) دیگر مصادر عامّه نیز نظیر تفسیر کشّاف جلد ۴، صفحه‌ی ۲۲۰؛ مناقب ابن مغازلی، صفحه‌ی ۲۶۳؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ تفسیر ثعلبی، ذیل آیه‌ی شریف؛ الصّواعق المحرقه، ابن حجر، صفحه‌ی ۱۰۱ و ۱۳۵؛ احیاء المیّت، سیوطی، صفحه‌ی ۲۳۹؛ الدّر المنثور، جلد ۷، صفحه‌ی ۳۴۸؛ تفسیر طبری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ شواهد التّنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۱۳۰ و ... مصداق «قُربی» را آل محمّد (علیهم السلام) و مصداق «اقتراف حسنه» را مودّت آل محمّد (علیهم السلام) می‌دانند. (۹). قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً». این روایت و نظایر معنوی آن: (بغیر امام، لیس فی عنقه بیعۀ، و) ... در مدارک عامّه نظیر صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۴۷۸ کتاب الامارة؛ تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی { یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللَّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ } ینابیع المودّة؛ جلد ۳، صفحه‌ی ۴۵۶، نقل شده است. (۱۰). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۹. رازی مفسر

معروف عامه می‌نویسد: «کسی که جایزالخطاست واجب است به کسی که معصوم است اقتدا کند و معصومین همان کسانی هستند که خداوند آنان را «صادقین» نامیده است؛ لذا این آیه دلالت بر این که افراد جایزالخطا واجب است که با معصومان از خطا، همراه باشند تا اینان، مانع خطای آنان شوند و این معنا، در هر زمانی ثابت است؛ لذا در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد و الاّ این دستور، تکلیف به ما لا یطاق است.» (تفسیر رازی، جلد ۱۶، صفحه‌ی ۲۲۱) مصادری همچون شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۵۹، حدیث ۳۵۰ الی ۳۵۷؛ تاریخ مدینه‌ی دمشق، ترجمه‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام ، جلد ۴۲، صفحه‌ی ۳۶۱ مناقب خوارزمی، منقبت ۲۷۳ فتح القدیر شوکانی، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۰۲؛ الصواعق المحرقه ابن حجر، صفحه‌ی ۳۱۶ روح المعانی آلوسی، جلد ۱۱، صفحه‌ی ۴۰ و ... به انحصار مفهوم «صادقین» در وجودم قدّس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اذعان نموده‌اند. (۱۱). { هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ }. (سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲) (۱۲). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷. عن ابن عباس قال: لمّآ نزلت (إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ) ، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : « أَنَا الْمُنْذِرُ وَ عَلِیٌّ الْهَادِی مِنْ بَعْدِی» و ضرب بیده علی صدر علی. فقال «أَنْتَ الْهَادِی بَعْدِی یَا عَلِیُّ بِکَ یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ». و فی المناقب عن محمّد بن مسلم قال سئلت هذه الآیة عن جعفر الصّادق علیه السلام قال: «قال کل امام هاد لکل قوم فی زمانه». (ینابیع المودّة، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۹۷) عن عبدالرحیم عن الباقر علیه السلام قال فی تفسیر الآیة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : « أَنَا الْمُنْذِرُ وَ عَلِیٌّ الْهَادِی ، امّا والله مَا زَالَتْ فِینَا إِلَی السَّاعَةِ ». (مأخذ پیشین). عن ابی هریره فی قوله تعالی: {انّما انت منذر} یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و فی قوله { وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ }، قال سألت عنها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و قال « إِنَّ هَادِیَ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ. علیه السلام ». (شواهد التنزیل جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹۷) عن عبدالله بن عامر قال ازعجت الزرقاء الکوفیه الی معاویة فلما ادخلت علیه قال لها معاویة: ما تقولین فی مولی المؤمنین علی: فانشات تقول: صَلَّی الْإِلَهُ عَلَی قَبْرٍ تَضَمَّنَهُ نُورٌ فَأَصْبَحَ فِیهِ الْعَدْلُ مَدْفُوناً مَنْ حَالَفَ الْعَدْلَ وَ الْإِیمَانَ مُقْتَرِناً فَصَارَ بِالْعَدْلِ وَ الْإِیمَانِ مَقْرُونا فقال لها معاویة کیف غررت فیه هذه الغریرة فقالت: سمعت الله یقول فی کتابه لنبیّه { إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ } الْمُنْذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، وَ الْهَادِی عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّهِ. علیه السلام ». (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۰۲). روایات دیگری با همین مضامین در دیگر کتب عامه نظیر کنزالعمال، متقی هندی، حدیث ۴۴۴۳ تفسیر ابن کثیر، جلد ۲، صفحه‌ی ۵۲۰؛ المستدرک علی الصّحیحین، حاکم نیشابوری جلد ۳، صفحه‌ی ۱۴۰؛ الدرّ المنثور سیوطی، جلد ۴، صفحه‌ی ۶۰۸ و ... به چشم می‌خورد. (۱۳). { وَ ما یَعْلَمُ تَأْویلَهُ إِلاَّ اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ }. (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۷ ...) عن ابان بن ابی عیاش حدثنی سلیم بن قیس الهلالی قال سمعت علیّا یقول: ، فَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفاً وَاحِداً. فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ اخْتَصَرْتُهُ. مَا نَزَلَتْ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم آیَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَنِیهَا- أَوْ أَمْلَاهَا- عَلَیَّ فَأَکْتُبُهَا بِخَطِّی وَ عَلَّمَنِی تَأْوِیلَهَا وَ تَفْسِیرَهَا وَ نَاسِخَهَا وَ مَنْسُوخَهَا- وَ مُحْکَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا- وَ دَعَا اللَّهَ لِی أَنْ یُعَلِّمَنِی فَهْمَهَا وَ حِفْظَهَا ، فَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفاً وَاحِداً.. فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ اخْتَصَرْتُهُ.. عن انس قال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم عَلِیٌّ یُعَلِّمُ النّاسَ بَعدی مِن تَأویلِ القُرآنِ ما لا یَعلَمون. عن علقمه بن قیس قال قَالَ عَلِیٌّ سَلُونِی یَا أَهْلَ الْکُوفَةِ قَبْلَ أَنْ لَا تَسْأَلُونِّی [کَذَا] فَوَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ مَا نَزَلَتْ آیَةٌ إِلَّا وَ أَنَا أَعْلَمُ بِهَا أَیْنَ نَزَلَتْ وَ فِیمَنْ نَزَلَتْ، فِی سَهْلٍ أَمْ فِی جَبَلٍ أَوْ فِی مَسِیرٍ أَمْ فِی مَقَامٍ. ». عَنْ عُمَیْرِ بْنِ بِشْرٍ الْخَثْعَمِیِّ قَالَ: قَالَ ابْنُ عُمَرَ: عَلِیٌّ علیه السلام أَعْلَمُ النَّاسِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم. (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰ به بعد، فصل ۴، فی توحده بمعرفة القرآن و معانیه و تفرده بالعلم بنزوله و ما فیه) (۱۴). « الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ » (مفاتیح الجنان، صلوات ماه شعبان) (۱۵). سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۲ و ۱۳. بُشْراکُمُ الْیَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ (۱۲) { یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ ... یَوْمَ یَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ لِلَّذینَ آمَنُوا انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ قیلَ ارْجِعُوا وَراءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً }.... روی القمی عن الصادق علیه السلام ... : « و من لم یجعل الله له نوراً یعنی اماماً من ولد فاطمة علیها السلام فما له من نور فما له من

امام یمشی بنوره کما فی قوله تعالی: نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ ، قال انّما المؤمنون یوم القیامهٔ نورهم یسعی بین ایدیهم و بایمانهم حتی ینزل منازلهم من الجنان». (تفسیر الصّافی، سوره‌ی نور آیه‌ی ۴۰) (۱۶). سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵. عن داود الرّقی قال سألت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزّوجلّ ...: { و السّماء رفعها و وضع المیزان}، قَالَ «السَّمَاءُ» رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَبَضَهُ اللَّهُ ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيْهِ وَ وَضَعَ الْمِيزانَ وَ « الْمِيزانَ » أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام و نَصَبَهُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ قُلْتُ { أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِيزانِ ؟ قال « لَا تَطْغَوْا فِی الْإِمَامِ بِالْعِصْيَانِ وَ الْخِلَافِ» قُلْتُ: { وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ ؟ قَالَ أَطِيعُوا الْإِمَامَ بِالْعَدْلِ وَ لَا تَبْخَسُوهُ فِی حَقِّهِ ». (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود، می‌خوانیم: « السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ ». (مفاتیح الجنان) (۱۷). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۵. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ائمه از فرزندان من هستند هر کس آنها را اطاعت کند، خدا را اطاعت نموده و هر کس مخالفت آنان کند، با خدا مخالفت ورزیده است ایشانند عروهٔ الوثقی و ایشانند وسیله (تقرّب به خداوند عزوجل» (ینابیع المودهٔ، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۹۲) (۱۸). دعای توسّل، مفاتیح الجنان (۱۹). { فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكاذِبِينَ }. (سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۶۱) شعبی به نقل از جابر می‌گوید: منظور از «ابنائنا حسن و حسین (علیهم السلام) و منظور از «نسائنا» فاطمه علیها السلام و مصداق «انفسنا» علیّ بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند. عامر بن سعد به نقل از پدرش گوید: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را فراخواند و عرضه داشت «بار خدایا! این‌ها اهل من هستند». این روایت و نظایر آن را صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابهٔ، باب «من فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام »، حدیث ۳۲؛ شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۲۰، با ذکر ۹ روایت؛ المستدرک علی الصّحیحین، کتاب معرفهٔ الصحابهٔ، باب «من مناقب اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم » با ذکر ۷ روایت الدّر المنثور، ذیل آیه‌ی شریفه، به عبارات و طرق مختلفه از بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی ابونعیم، حاکم نیشابوری، ابن جریر، ابن مردویه، عبدالرزّاق، ابن منذر، ابن ابی حاتم و بیهقی، تفسیر طبری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ تفسیر کشاف زمخشری، ذیل آیه‌ی شریفه؛ جامع ترمذی، حدیث ۳۷۲۴؛ کفایهٔ الطالب گنجی، الباب الثّانی و الثّلاثون فی قوله عزّوجلّ فی آیهٔ المباهلهٔ؛ مناقب ابن مغازلی حدیث ۳۶۲؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ و ... نقل نموده‌اند. رازی، مفسر معروف و متعصّب عامّه، ذیل این آیه‌ی شریفه می‌نویسد: «بدان که گویا این روایت در میان همه‌ی اهل تفسیر و حدیث، صحیح شمرده شده است.» (۲۰). دعای ندبه. (۲۱). عن الصادق جعفر بن محمّد عن ابیه عن جدّه (علیهم السلام) قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : « الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِی يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِی وَ شَرِيعَتِی ». (... کمال الدّین و تمام النّعمه، جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶) (۲۲). سوره‌ی هود، آیه‌ی ۸۶. عن محمّد بن مسلم قال: سمعت اباجعفر علیه السلام یقول: إِذَا خَرَجَ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعِقْدُ وَ هُوَ عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِی الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ ... إِذَا خَرَجَ (القائم) أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ ». (... بحارالانوار، جلد ۵۲ صفحه‌ی ۱۹۲) امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که حضرت ولی عصر (عج) خروج کند، به خانه‌ی کعبه تکیه فرماید و ۳۱۳ نفر نزد او اجتماع کنند. اوّلین جمله‌ای که آن حضرت در این هنگام بر زبان جاری می‌کند، این آیه‌ی شریفه است. (۲۳). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می‌کنند و بر محبت اهل البیت (علیهم السلام) ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۱۴) حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی یونس { فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا } ... می‌فرماید: «غیب در این آیه حجّت قائم علیه السلام است». (ینابیع المودّهٔ، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۴۱) (۲۴). اشاره به فرازی از دعای شریف ندبه ... « أَیُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوْ ثَرَى أ

بِرَضْوَی أَوْ غَیْرِهَا أَمْ ذِی طُوًی"؟» (رَضوی "کوهی است در نزدیکی مدینه و" ذی طوی "موضعی است در یک فرسخی مکه در راه تنعیم). امام باقر علیه السلام در حالیکه با دست مبارکش به ناحیه «ذی طوی» اشاره می‌نمود، می‌فرمود: «برای حضرت صاحب الأمر علیه السلام غیبتی است در بعضی از این شعبه‌ها و کوه‌ها». (تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نمل). (۲۵). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۲: { مَنْ قَتَلَ نَفْساً ... فَکَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعاً وَ مَنْ أَحْیاها فَکَأَنَّما أَحْیَا النَّاسَ جَمِیعاً}. (۲۶). سوره‌ی ملک، آیه‌ی ۳۰. علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت در مورد این آیه فرمود «یعنی هنگامی که امامتان غایب شود کیست که جز او برایتان امامی جدید بیاورد؟». (ینابیع المودّة جلد ۳، صفحه‌ی ۲۵۳) (۲۷). { مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ بَیْنَهُما بَرْزَخٌ لا یَبْغِیانِ ... یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ } (سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۱۹ تا ۲۲) سلمان و ابن عباس و ضحّاك درباره‌ی این آیات شریفه می‌گویند: «منظور از بحرین، علی و فاطمه (علیهما السلام) و منظور از برزخ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مراد از لؤلؤ و مرجان، حسنین (علیهما السلام) می‌باشند.» (شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۰۸؛ مناقب ابن مغازلی صفحه‌ی ۲۷۷) (۲۸). سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۱۳. (۲۹). سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۵: {وبئر معطّله و قصر مشیّد}. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «منظور، علی علیه السلام است». (مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۸۴) علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (علیهما السلام) نقل می‌کند که درباره‌ی این آیه‌ی شریفه فرمود: «منظور از {بئر معطّله} امام صامت و {قصر مشیّد} امام ناطق است. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۲۷). مرحوم علی بن ابراهیم قمی (علیه الرحمة) می‌نویسد: «و اما قوله: { وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ } قَالَ هُوَ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام) ؛ قوله { بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ }. هِیَ الَّتِی لَا یَسْتَسْقِی مِنْهَا وَ هُوَ الْإِمَامُ الَّذِی قَدْ غَابَ فَلَا یُقْتَبَسُ مِنْهُ الْعِلْمُ ، و « قَصْرٍ مَشِیدٍ » هُوَ الْمُرْتَفِعُ وَ هُوَ مَثَلٌ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام و الائمة (علیهم السلام) وَ فَضَائِلِهِمُ الْمُنْتَشِرَةِ فِی الْعَالَمِینَ الْمُشْرِفَةِ عَلَی الدُّنْیَا وَ هُوَ قَوْلُهُ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ قَالَ الشَّاعِرُ فِی ذَلِک بِئْرٌ مُعَطَّلَةٌ وَ قَصْرٌ مُشْرِفٌ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ مُسْتَطْرَفٌ فَالْقَصْرُ مَجْدُهُمُ الَّذِی لَا یُرْتَقَی وَ الْبِئْرُ عِلْمُهُمُ الَّذِی لَا یُنْزَف (تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۰) (۳۰). سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۷. فی الاکمال عن الباقر علیه السلام قال « یُحْیِیهَا اللَّهُ تعالی بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا یَعْنِی بِمَوْتِهَا کُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْکَافِرُ مَیِّت ». (تفسیر الصافی، ذیل آیه‌ی شریفه؛ کمال الدین و تمام النعمه، باب فی نوادر الکتاب، حدیث ۱۳؛ تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی شریفه) (۳۱). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۴۳. عن ابی سعید الخدری قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ قَوْلِ تعالی : « وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ » قال: « ذَلِکَ أَخِی علی بن ابی طالب علیه السلام ». (شواهد التّنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷ همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا، ابن حنفیه، ابن عباس ابی صالح) (۳۲). سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۹. عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی { قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ } ... قال: { الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ } نحن؛ { وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ } عدونا: { إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ } شیعتنا. عن الضحاک عن ابن عباس فی قوله: { قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ } قال یعنی ب { الَّذِینَ یَعْلَمُونَ } علیاً علیه السلام و اهل بیته من بنی‌هاشم و {الّذین لایعلمون} بنی امیه و { أُولُوا الْأَلْبابِ } شیعتهم (ای شیعهٔ اهل البیت علیهم السلام) شواهد التّنزیل جلد ۲، صفحه‌ی ۱۱۶ (۳۳). بسیاری از دانشمندان سنّی تصریح نموده‌اند که مهدی (عج) فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. (راجع المنتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السّنّة) (۳۴). سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۵. عن الباقر و الصادق (علیهما السلام) فی قوله تعالی { وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ }، قالا: «هم القائم و أصحابه». (ینابیع المودة، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۴۳). (۳۵). سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۰۳. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود « الْعُرْوَةُ الْوُثْقَی الْمَوَدَّةُ لِآلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام) » (ینابیع المودّة، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۳۱) قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعلیّ بن ابی طالب علیه السلام : « أَنْتَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَی ». (ینابیع المودّة، جلد ۳، صفحه‌ی ۲۷۸) صاحب مناقب می‌نویسد: «ابن عباس گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که یک اعرابی آمد و گفت ای رسول خدا! شنیده‌ام که می‌گویی به ریسمان الهی چنگ زنید. ریسمان و حبل الهی چیست؟ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستش را در دست علی علیه السلام قرار داد و به او فرمود «به این شخص متمسک شوید، او

حبل الله المتین است.» (ینابیع المودّة، جلد ۱ صفحه‌ی ۳۵۶) فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِی وَ أَوْصِیَائِی وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِی وَ سَادَةُ أُمَّتِی وَ قَادَةُ الْأَتْقِیَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ حِزْبُهُمْ حِزْبِی وَ حِزْبِی حِزْبُ اللَّهِ وَ حِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّیْطَانِ. عن عَلِیِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام عَنْ آبَائِهِ (علیهم السلام) عن علی علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم « مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَرْکَبَ سَفِینَةَ النَّجَاةِ وَ یَسْتَمْسِکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ یَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِینِ فَلْیُوَالِ عَلِیّاً لْیَأْتَمَّ بِالْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ ». عن جعفر بن محمد علیه السلام قال: «نحن حبل الله الذی قال الله: { وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً } ... فَالْمُسْتَمْسِکُ بِوَلَایَةِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِب علیه السلام الْمُسْتَمْسِکُ بِالْبِرِّ فَمَنْ تَمَسَّکَ بِهِ کَانَ مُؤْمِناً، وَ مَنْ تَرَکَهُ کَانَ خَارِجاً مِنَ الْإِیمَانِ. ». عن ابن عمر قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال لی جبرئیل قال الله تعالی: « وَلَایَةُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام حِصْنِی ، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی ». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۳۰) (۳۶). اشاره به حدیث سلسلهٔ الذهب. قال (علی بن موسی الرضا علیه السلام) سمعت أبی موسی ابن جعفر یقول سمعت ابی جعفر بن محمد علیه السلام یقول: سمعت ابی محمد بن علی (علیهما السلام) یقول سمعت ابی علی بن الحسین (علیهما السلام) یقول سمعت ابی الحسین بن علی (علیهما السلام) یقول: سمعت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یقول سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول سمعت جبرئیل علیه السلام یقول: سمعت الله جلّ و عزّ یقول: « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی »؛ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا « بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا ». «لا اله الا الله دژ محکم من است پس هر آن کس که در قلعه و دژ من درآید، از عذابم در امان است». پس چون مرکب حضرت حرکت نمود، بر ما (محدثان نیشابور) بانگ برآورد: «به شروطش و من از شروط آنم». (بحارالأنوار جلد ۴۹، صفحه‌ی ۱۲۳) (۳۷). اشاره به حدیث «سلسلهٔ الذهب». (مراجعه شود به پی‌نوشت شماره‌ی ۳۶) (۳۸). کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (ینابیع المودة، ج ۳ ص ۴۵۶) این روایت به عبارت دیگر نیز در مسانید شیعه و عامه نقل شده است. صحیح مسلم چاپ سعودی ج ۳، ص ۱۴۷۸، کتاب الامارهٔ و نیز تفسیر ابن کثیر ذیل آیه‌ی شریفه‌ی { أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ } آورده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که بمیرد در حالی که بیعت امامی بر گردن او نباشد، به مگر جاهلیت مرده است. (در کتاب «شناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی» هفتاد روایت با همین مضمون از طرق عامه نقل شده است.) (۳۹). به نقل از دانشنامه‌ی امام علی علیه السلام ، ج ۱۱، ص ۳۰۹. (۴۰). تفسیر «المنار» جلد ۶، ص ۲۸۸. (۴۱). مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۴. (۴۲). مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام ... ؛ { وَ تَعِیَها أُذُنٌ واعِیَةٌ } در سوره‌ی الحاقهٔ، آیه‌ی ۱۲. حاکم حسکانی حنفی می‌نویسد از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «خداوند مرا امر کرد که تو را نزدیک نمایم و دور نکنم و تو را بیاموزم تا فراگیری و این آیه { وَ تَعِیَها أُذُنٌ واعِیَةٌ } بر من نازل گشت. پس ای علی! تو آن گوش شنوا برای علم من هستی و من شهر و تو دروازه‌ی آن شهری، و وارد شهر نمی‌شوند مرگ از در آن». (شواهد التنزیل، جلد ۲، ص ۲۷۴، به ضمیمه‌ی ۲۱ روایت دیگر با همین مضمون). (۴۳). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۵. (۴۴). برگرفته از جزوه‌ی «سخنی کوتاه در علم امام چاپ ۱۸/۶/۵۱ که به شماره‌ی ۸۲۱ در کتابخانه‌ی ملی به ثبت رسیده است. این مقاله در روزنامه‌ی جام جم به تاریخ ۲۱/۱۲/۸۲ شماره‌ی ۱۱۰۴ منتشر شده است. سزاوار است از مسئول محترم این روزنامه به خاطر درج بعضی از مقالات آموزنده و ولایی تشکر و سپاسگزاری گردد. سلامت و سعادت ایشان و همه‌ی خدّام امام زمان علیه السلام را از خدای متعال خواستاریم. (۴۵). سروده‌ی نویسنده. (۴۶). از اسامی حضرت ولی عصر (عج) در «نجم الثّاقب». (۴۷). سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۴. (۴۸). سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰. (۴۹). خانم دوریس از آلمان. (۵۰). مرحوم آیت الله موسوی اصفهانی (ره) در کتاب شریف «مکیال المکارم» می‌نویسد «یکی از دوستان صالحم برای من نقل نمود که در خواب مولانا حجهٔ بن الحسن (علیهما السلام) را زیارت کردم و حضرت فرمایشی به این معنا فرمود «همانا من برای مؤمنی که مصیبت جد شهیدم (سیّدالشّهداء علیه السلام را یاد نماید و پس از آن برای من به تعجیل فرج و تأیید، دعا کند دعا می‌نمایم». (مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶). (۵۱). سروده‌ی نویسنده. (۵۲). {لا

اِکراهَ فِی الـدّین}: سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۶. (۵۳). عَن أمیرِالمؤمنین علیه السلام ، اَنَّه قالَ: «زَکاتُ العِلمِ نَشْرَهُ». (مستدرک الوسائل، جلد ۷، صفحه‌ی ۴۶) (۵۴). قال النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم «طَلَبُ العِمل فَریضَهٔ عَلی کُلِّ مُسلِم و مُسلِمَهٍ». (علامه‌ی مجلسی، بحارالانوار، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۲) (۵۵). نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۴۷. (۵۶). این لغت که در اصل یونانی است از پیشونـد « peri » به معنی «خیلی» است که همـان حکم «تر» و «ترین را در زبان پارسـی دارد و لغت « kileos » به معنی «سـتایش حمد، شکوه و جلال» است. پس این واژه به معنی «بسـیار سـتوده» است که در عربی مترادف «محمّـد» و «احمـد» صـلی الله علیه و آله و سـلم می‌باشـد. (به کتاب مِصـقل صـفا، میرسیداحمد علوی، صفحه ۱۸۴ مراجعه فرمـایی) (۵۷). سـوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷. (۵۸). بنـابر نظر کثیری از علمای شیعه، نام بردن از حضـرت ولیّ عصـر (عج) به اسم اصـلی آن حضـرت که همان نام رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم اسـت، در زمـان غیبـت حرام است. (۵۹). {وَ یَقـولُ الَّذیـنَ کَفَروا لَسـتَ مُرسَـلاً قُـل کَفی بِـالله شَـهیداً بَینی و بَیَنکُـم وَ مَن عِنـدَهُ عِلمُ الکِتاب}. (سوره‌ی رعد آیه‌ی ۴۳) عن ابی سعید الخدری قال: سأَلتُ رسولَ الله صلی الله علیه و آله و سلم عَن قَولِ الله تَعالی: {وَ مَن عِنـدَهُ عِلمُ الکِتاب}، «قالَ: ذلِکَ اَخی عَلی بنِ اَبی طالِب». (شواهدالتّنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷، همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا ابن حنفیّه ابن عبّاس و ابی صالح) (۶۰). «السّلامُ عَلیکَ یا تالیَ کِتابِ الله و تَرجُمانَه». (مفاتیح الجنان، زیارت آل یس (علیهم السـلام) (۶۱). {وَ اِن مِن شَـیءٍ اِلاّ یُسَـبِّحُ بِحَمـدِهِ وَلکِن لا تَفقَهُونَ تَسـبیحَهُم}. (سوره‌ی اسـراء، آیه‌ی ۴۳) (۶۲). از مطـالب منصوصه‌ی در احـادیث فریقین، اقتـدا و وزارت حضـرت عیسـی بن مریم علی نبیّنا و آله و علیهما السـلام نسبت به حضـرت مهـدی موعود ارواحنا فداه است. جابر بن عبدالله گوید: رسول الله صـلی الله علیه و آله و سلم فرمود ... « عیسی بن مریم نازل می‌شود و امیر و امام مؤمنین به او فرماید: بیا و برای ما نماز بگذار. عیسـی گوید: نه، بعض شـما بر بعض دیگر امیر هستید » (... صـحیح مسلم جلد ۱، صفحه‌ی ۵۵، مسـند احمد بن حنبل، جلد ۳، صفحه‌ی ۳۴۵؛ کفایهٔ الطّالب گنجی شافعی، صفحه‌ی ۴۴۹) گنجی، پس از نقل این روایات گوید: «امیر مسـلمین در این روز، مهدی علیه السـلام است» و سـپس می‌نویسد: «تقدّم امام مهدی علیه السـلام بر عیسی علیه السـلام ، دلیل بر برتری و افضـلیّت او بر عیسـی علیه السـلام می‌باشد». (۶۳). سوره‌ی قـدر آیه‌ی ۴. در تفسـیر قمی ذیل آیه‌ی شریفه آمـده است: «ملائکه و روح القـدس بر امام زمان نازل می‌شوند و آن چه از مدّت عمرها و امور ارزاق و هر چه اتّفاق خواهد افتاد را که نوشته‌اند، به محضر او تقدیم می کنند». (۶۴). شیخ طوسی، مصباح المتهجّد، صفحه‌ی ۶۹۶. (۶۵). «فارقلیطا» واژه‌ای سریانی است که از اصل یونانی «پریقلیطوس» به معنای «بسیار ستوده و پسندیده» مشتق شده و این معنی مترادف واژه‌های «محمد و احمد صلی الله علیه و آله و سلم » می‌باشد. (به کتاب ارزشمند «انیس الأعلام فی نصرهٔ الإسلام» جلد ۱، صفحه‌ی ۱۳ مراجعه فرمائید.) (۶۶). منظور، ره‌یافتگـان به مکتب قرآن و عترت (علیهم السـلام) می‌باشـند. (۶۷). مفاتیـح الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره. (۶۸). علامه‌ی مجلسی، بحارالأنوار جلد ۵۲، صفحه‌ی ۱۴۶. (۶۹). کسی که بمیرد حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. (قندوزی حنفی، ینابیع المودّهٔ، جلد ۳، صفحه‌ی ۴۵۶) این روایت به عبارات دیگر نیز در مسانید شیعه و عامّه نقل شده است. صحیح مسـلم، چاپ سعودی، ج ۳، صفحه‌ی ۱۴۷۸، کتـاب الامارهٔ) و نیز تفسـیر ابن کثیر، ذیل آیه‌ی شـریفه‌ی {اطیعواالله وَ اطیعوا الرَّسول و أولی الأمر منکم} آورده است: «رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود کسـی که بمیرد در حالی که بیعت امامی بر گردن او نباشـد، به مرگ جاهلیت مرده است». (در کتاب «شـناخت امام، راه رهایی از مرگ جاهلی»، هفتاد روایت با همین مضـمون از طریق عامّه نقل شده است) (۷۰). مقصود از «فقه اکبر» علم کلام و عقایـد است. (۷۱). اشاره به فرمایش حضـرت ولیّ عصر (عج) به سیّد رشتی در تشـرّف منقول در مفاتیـح الجنان محـدّث قمّی (ره). (۷۲). بحمـدالله با توجّهات خاصّه‌ی مولانا حجّهٔ بن الحسن العسـکری ارواحنا فداه برخی از این شعب در داخل و خارج کشور به بهره‌برداری رسیده است. (۷۳). تفسیر یا تأویل بیش از ۲۴۰ آیه در قرآن در موضوع مهـدویّت می‌باشد. (۷۴). سـوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰. (۷۵). سـوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳. عن ابی عبـدالله علیه السـلام فی قول الله عزّوجلّ: {هُـدی لِلمُتّقین الَّذین یُؤمِنون بِالغَیب} قالَ: «مَن اَقَرَّ بِقیامِ القائم اَنَّه حَقٌّ». (بحارالأنوار، جلد ۵۱، صفحه‌ی ۵۲) فقال (الصادق

علیه السلام) : «وَ الغَیبُ فَهُو الحُجَّهٔ الغائِبُ ». (... بحار، جلد ۵۲، صفحه‌ی ۱۲۴) (۷۶). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «منظور، کسانی هستند که در طول غیبت امام زمان علیه السلام صبر پیشه می‌کنند و بر محبّت اهل بیت (علیهم السلام) ثابت قدم هستند.» (تفسیر برهان، جلد ۵، صفحه‌ی ۴۱۴) عن جابر الأنصاری عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: «طوبی لِلصّابرینَ فی غیبَته، طوبی للمقیمین علی محجَّتهم اولئک وصفهم الله فی کتابه فقال {وَ الَّذینَ یُؤمِنُون بِالغَیبِ } ... (بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه‌ی ۱۴۳) (۷۷). اشاره به برخی تفسیرهای جاهلانه یا مغرضانه از معنای «ولیّ» در حدیث شریف و متّفقٌ علیه «غدیر». (۷۸). سوره‌ی ابراهیم علیه السلام ، آیه‌ی ۲۴. عن سلام بن المُستنیر، قال سألتُ أباجَعفرٍ علیه السلام عن قول الله تعالی: {کَشَجَرةٍ طَیبَةٍ أصلُها ثابتٌ وَ فَرعُها فِی السَّماءِ تُؤتی اُکُلَها کُلّ حینٍ بِإذنِ رَبِّها ...} قالَ: «الشَّجَرةُ رسولُ الله صلی الله علیه و آله و سلم نسبه ثابتٌ فی بنی هاشمٍ و عُنصُرُ الشَّجَرَةِ فاطمَةُ الزّهرا علیها السلام و فرع الشجرة علیٌّ أمیرالمُؤمنین علیه السلام و اغصان الشَّجَرَةِ و ثَمَرُها الائمهٔ (علیهم السلام) و ورق الشَّجرة الشیعهٔ » (... الصفّار بصائر الدرجات، صفحه‌ی ۷۹) (۷۹). سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۹. اهل ذکر (قرآن) و وسیله‌ی الهی برای حفظ آن، اهل البیت (علیهم السلام) هستند. حارث گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی این آیه‌ی شریفه سؤال کردم، فرمود: «والله! ما اهل ذکر و اهل علم و معدن تأویل و تنزیل هستیم». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۴۳۲) (۸۰). شرح نهج البلاغه، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۹. (۸۱). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۳. به معانی الأخبار شیخ صدوق، صفحه‌ی ۱۰۸ مراجعه کنید. در تفسیر امام علیه السلام روایت شده است «این شجره، شجره‌ی علم محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بود که اختصاص به ایشان دارد و سایر خلق را زا آن، نصیب و بهره‌ای نیست. (تأویل الآیات الباهرات، صفحه‌ی ۱۹؛ تفسیر صافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۱۶) (۸۲). «السلام علیک اَیُّها العَلَمُ المَنصوبُ وَ العِلمُ المَصبوب» (زیارت آل یس (علیهم السلام)) (۸۳). {وَ یَقولَ الَّذینَ کَفَروا لَستَ مُرسلاً قُل کَفی بِالله شَهیداً بَینی وَ بَینَکُم وَ مَن عِندَهُ عِلمُ‌الکِتاب}. (سوره‌ی رعد آیه‌ی ۴۳) عن ابی سعید الخدری قال سألتُ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن قول الله تعالی {وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الکِتابِ} قالَ: «ذلِکَ اخی عَلی بن أبی طالب علیه السلام ». (شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۰۷ به همراه چهار روایت دیگر به نقل از عبدالله بن عطا، ابن حنفیّه، ابن عباس و ابی صالح) (۸۴). نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲. (۸۵). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴. (۸۶). کلینی، اصول کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۴۳. (۸۷). سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶. انس بن مالک و بریده گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت فرمود {فی بیوتٍ... تا و الأبصار}. مردی برخاست و عرض کرد ای رسول خدا! این خانه‌ها، کدام خانه است؟ حضرت فرمود: «خانه‌های انبیاء (علیهم السلام) است». پس ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه‌ی علی و فاطمه (علیهما السلام) اشاره می‌کرد، گفت: یا رسول الله! آیا این خانه هم از جمله‌ی این بیوت است؟ حضرت فرمود: «آری! از برترین آن خانه‌هاست». (شواهد التنزیل جلد ۱، صفحه‌ی ۴۱۰) باید از خلیفه پرسید که آیا خانه‌ای که چنین عظمت و جایگاهی دارد شایسته‌ی آن بود که دستور آتش زدنش صادر شود...؟! (۸۸). سوره‌ی حمد آیه‌ی ۶ (جهت توضیح بیشتر، رجوع شود به پی‌نوشت شماره‌ی ۷ (از مقاله‌ی آیینه‌ی زیبایی‌ها)) (۸۹). سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳. (توضیح بیشتر را در پی‌نوشت شماره‌ی ۱۲ (از مقاله‌ی آیینه‌ی زیبایی‌ها) خواهید دانست). (۹۰). سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۲. (۹۱). سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۵. ابن مغازلی از بزرگان اهل سنّت در ضمن روایتی، منظور از {مشکات را حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و مقصود از {مصباح} را امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و {یکادُ زیتها یضیء را با عنوان «نزدیک است که علم از آن (شجره) بجوشد» معنی می‌کند. (مناقب ابن مغازلی صفحه‌ی ۲۶۴) (۹۲). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷. (مراجعه شود به پی‌نوشت شماره ۱۲ از مقاله‌ی «آیینه‌ی زیبایی‌ها») (۹۳). باقی نگهدارنده. (۹۴). عن الصادق جعفر بن محمّد عن ابیه عن جدّه (علیهم السلام) قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : « الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِی یُقِیمُ النَّاسَ عَلَی مِلَّتِی وَ شَرِیعَتِی ». (کمال الدین و تمام النعمه جلد ۲، باب ۳۹، حدیث ۶) (۹۵). تصوّر کنید دارویی از پنج جزء تشکیل شده، اگر یک جزء آن را نیافتیم، دارو مؤثر نخواهد افتاد. (۹۶). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«پس از آن که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مرا گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فعلیّ مولاه »، ... سلمان پرسید: یا رسول الله! این ولایت چگونه ولایتی است؟ فرمود: ولایت او همچون ولایت من است؛ هر که من سزاوارتر از خودش بر او هستم، علی هم نسبت به او این چنین است. در این هنگام آیه‌ی { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ } ... نازل شد. آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگارم به رسالت من و ولایت علی پس از من! عدّه‌ای گفتند: یا رسول الله! این آیات فقط مخصوص به علی علیه السلام است؟ فرمود: آری، در مورد او و اوصیای من تا روز قیامت می‌باشد. گفتند: آن‌ها را به ما معرفی کن. فرمود علی، برادر و وارث و وصیّ من و ولیّ هر مؤمن پس از من است، سپس فرزندم حسن، سپس فرزندم حسین و پس از او نُه (امام) از فرزندان حسین؛ قرآن با ایشان و ایشان با قرآنند؛ نه قرآن و نه ایشان از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا این که بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند ». (... ینابیع المودّة جلد ۱، صفحه‌ی ۳۴۳ و ۳۴۷) ابوهریره گوید هر کس روز ۱۸ ذی‌الحجه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه‌ی شصت ماه در نامه‌ی اعمال او بنویسد و این روز، روز غدیر خم است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و گفت: به به! مبارک باد بر تو یا پسر ابی طالب! ابی سعید خدری گوید: چون این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من! هر که من سرپرست و صاحب اختیار او بودم، علی علیه السلام ولیّ و صاحب اختیار اوست. خداوندا! دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن بدارد و یاری کن هر که او را یاری کند و واگذار هر کس او را واگذارد.» (الدرّ المنثور، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۵۹؛ مناقب خوارزمی صفحه‌ی ۶ شواهد التّنزیل، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۰۰ به بعد؛ تاریخ مدینه‌ی دمشق، جلد ۴۲، صفحه‌ی ۲۳۳) (۹۷). «واقفیّه کسانی هستند که بر امامت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) توقّف کرده‌اند. (۹۸). «زیدیّه» کسانی هستند که معتقد به امامت زید بن علی پس از امام سجاد علیه السلام هستند. (۹۹). سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹. اخطب خوارزم در مناقب، صفحه‌ی ۶ می‌نویسد: ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود «هنگامی که به آسمان رفتم، از زیر عرش الهی ندایی شنیدم که: علی، پرچم هدایت و حبیب و دوست هر آن کسی است که به من ایمان آورد. ای محمّد! این مطلب را (به مردم) برسان. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زمین آمد، این مطلب را در سینه نگاه داشت، پس فرمان الهی آمد که: ای رسول! آنچه را در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام بر تو نازل شده بیان کن و اگر چنین نکنی رسالت الهی را نرسانده‌ای و خداوند تو را از (آزار مردم حفظ خواهد کرد». (شواهد التّنزیل ذیل آیه‌ی شریفه) از دیگر مدارک عامّه می‌توان به: اسباب النزول، صفحه‌ی ۱۳۵؛ الدّر المنثور جلد ۲، صفحه‌ی ۲۹۸؛ تفسیر رازی، ذیل آیه‌ی شریفه و ... بسیاری دیگر از کتب فریقین اشاره نمود. (۱۰۰). دعای ندبه. (۱۰۱). عن داود الرّقی قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل ...: { و السّماء رفعها و وضع المیزان} قالَ السَّمَاءُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَبَضَهُ اللَّهُ ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيْهِ وَ وَضَعَ الْمِيزانَ وَ الْمِيزَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام نَصَبَهُ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ. قُلْتُ { أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ } قَالَ لَا تَطْغَوْا فِي الْإِمَامِ بِالْعِصْيَانِ وَ الْخِلَافِ قُلْتُ { وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ } قَالَ أَطِيعُوا الْإِمَامَ بِالْعَدْلِ وَ لَا تَبْخَسُوهُ مِنْ حَقِّهِ ». (تفسیر برهان، ذیل آیات شریفه) امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷ سوره‌ی شوری، فرمود: «میزان، امیرالمؤمنین علیه السلام است ». (... تفسیر قمی، جلد ۲، صفحه‌ی ۲۶۵) در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز مولود نیز می‌خوانیم: «السّلام علیک یا میزان یوم الحساب». (مفاتیح الجنان) (۱۰۲). سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۹. (۱۰۳). مسند ابی داوود، صفحه‌ی ۱۸۰. در مدرک دیگر عامّه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح این معنا فرمود: «کلّهم من بنی‌هاشم». (ینابیع المودّة، جلد ۲، صفحه‌ی ۳۱۵ جلد ۳، صفحه‌ی ۲۹۰) (۱۰۴). امام باقر علیه السلام از پدرش از جدّش (علیهم السلام نقل می‌فرماید که فرمود: «هنگامی که آیه‌ی {وکلّ شیء احصیناه فی امام مبین} (یس، ۱۲) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید، ابوبکر و عمر برخاسته، گفتند: یا رسول الله! آیا منظور از «امام مبین» تورات است؟ فرمود نه. گفتند: آیا

انجیل است؟ فرمود نه. گفتند: پس قرآن است؟ فرمود: نه. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آورد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (منظور از امام مبین) این شخص است. او امامی است که خداوند، علم همه چیز را در وجود او جمع کرده است. (تفسیر برهان، ذیل آیه‌ی شریفه به ضمیمه‌ی چند روایت دیگر) ۱۰۵. به پی‌نوشت ۸۹ مراجعه فرمایید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲

(۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹